

کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار شد

قطعه نامه در مورد اوضاع سیاسی و وظائف تاکتیکی ما

کنفرانس دوازدهم سازمان به مدت سه روز در اواسط آذر سال ۸۸ برگزار گردید. کمیته اجرایی سازمان اسنادی را برای بحث و بررسی در این کنفرانس تهیه کرده بود که طبق ضوابط اساسنامه ای، سه ماه قبل از کنفرانس در اختیار اعضا و کاندیدها عضویت قرار گرفته بود، تا رفقای شرکت کننده در نشست امکان بررسی و بحث پیرامون این اسناد را داشته باشند و با آمادگی بیشتری در کنفرانس حضور یابند. در عین حال به منظور انعکاس مباحث سیاسی، تشکیلاتی و ارائه نظرات و قطعه نامه های پیشنهادی رفقای تشکیلات، چندین شماره بولتن مباحثات درونی ویژه کنفرانس دوازدهم، انتشار یافت. در همین دوره، با سازماندهی یک سلسله جلسات اینترنتی با حضور اعضا، یک رشته بحث های مقدماتی پیرامون قطعه نامه های پیشنهادی کمیته اجرایی نیز صورت گرفت.

اسناد تهیه شده توسط کمیته اجرایی، شامل گزارش عملکرد تشکیلات در فاصله کنفرانس یازدهم تا دوازدهم، سه قطعه نامه پیشنهادی شامل قطعه نامه در مورد اوضاع سیاسی و وظایف تاکتیکی ما، قطعه نامه در مورد جنبش کارگری و قطعه نامه در مورد جنبش زنان بود. علاوه بر این ها، دو قطعه نامه نیز که از سوی رفقای تشکیلات پیشنهاد شده بود، در اختیار اعضا و پیش اعضا قرار گرفت. پس از اتمام دوره ارائه مباحثات و طرح دیدگاه ها و قطعه نامه های پیشنهادی، دوازدهمین کنفرانس سازمان، در اواسط آذر، کار خود را آغاز کرد.

در ابتدا یکی از رفقای کمیته اجرایی ضمن خوش آمد گویی به رفقای حاضر، توضیحاتی نیز پیرامون دعوت شدگان و معدود رفقای که هنوز به محل اجلاس نرسیده بودند، ارائه داد. آنگاه با اعلام یک دقیقه سکوت، به پاس بزرگداشت رفقای جانفشان سازمان و همه جانبختگان راه سوسیالیسم و آزادی کنفرانس را افتتاح نمود. با انتخاب یک هیات رئیسه، کار کمیته اجرایی به پایان رسید. هیات رئیسه، ابتدا می بایستی ضوابط و مقررات حاکم بر اجلاس را روشن کند. در همین رابطه، آئین نامه ای که از سوی کمیته اجرایی به اجلاس پیشنهاد شده بود، مورد بحث و بررسی قرار گرفت و پس از یک دور

در صفحه ۲

خلاصه ای از
اطلاعه های سازمان

در صفحه ۵

۱- جهان سرمایه داری در نخستین دهه قرن بیست و یکم، با یکی از بزرگترین بحران های اقتصادی خود، پس از جنگ جهانی دوم رو به رو شده است. این بحران که از ایالات متحده آمریکا آغاز گردید، به سرعت، تمام کشورهای جهان را فراگرفت. هیچگاه در طول حیات شیوه تولید سرمایه داری، بحرانی در وسعتی که امروز عموم کشورهای جهان را فراگرفته، وجود نداشته است. نه فقط وسعت و فراگیری بحران، بلکه عمق و ژرفای این بحران در آن حد است که تنها با بحران ۳۳-۱۹۲۹ قابل مقایسه می باشد. بر طبق ارزیابی های بانک جهانی در فاصله سال های ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، نرخ رشد تولیدات جهانی از ۱/۵ درصد به ۴/۱- درصد تنزل کرده است. این تنزل نرخ های رشد، در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری در مجموع به ۸/۳- درصد، در مورد ایالات متحده آمریکا ۶/۲-، منطقه یورو ۸/۴- و ژاپن ۶- درصد بوده است. یعنی نه فقط تمام این کشورها با کاهش نسبی نرخ های رشد، بلکه با کاهش مطلق، گاه تا ۶- درصد رو به رو شده اند.

پی آمد این رکود عمیق، کاهش شدید در حجم تجارت جهانی بوده است. مطابق ارزیابی سازمان تجارت جهانی، حجم تجارت جهانی در سال ۲۰۰۹ نیز، ۹ درصد کاهش خواهد یافت.

تلاش دولت های سرمایه داری برای غلبه بر این بحران، به رغم اتخاذ سیاست های مختلف و تزریق چندین تریلیون دلار به اقتصاد از طریق نظام بانکی و کمک به موسسات مختلف مالی، تولیدی و تجاری، تاکنون کار ساز نبوده و ده ها هزار کارخانه و موسسه کوچک و بزرگ در سراسر جهان ورشکست شده اند.

در نتیجه این بحران، ده ها میلیون کارگر به صفوف بیکاران پیوسته و صدها میلیون انسان به زیر خط فقر رانده شده اند. ارزیابی سازمان بین المللی کار حاکی است که در فاصله سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۹، ۵۰ میلیون کارگر بیکار شده و تعداد بیکاران از ۱۸۰ میلیون در ۲۰۰۷ به ۲۳۰ میلیون خواهد رسید. همین سازمان پیش بینی می کند که در سال آینده، تنها در منطقه آسیا و پاسیفیک، ۲۳ میلیون کارگر، کار خود را از دست می دهند. در میان پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری هم اکنون نرخ بیکاری حداقل ۱۰ درصد و حداکثر از نمونه اسپانیا ۲۰ درصد است.

در صفحه ۳

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس دوازدهم

سازمان فدائیان (اقلیت)

به مردم مبارز ایران

در صفحه ۶

قطعه نامه

در مورد

جنبش زنان

در صفحه ۱۲

قطعه نامه

در مورد

جنبش کارگری

در صفحه ۹

کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار شد

بحث و افزوده شدن برخی نکات تکمیلی، به اتفاق آراء به تصویب رسید.

نخستین بحث کنفرانس، بررسی گزارش عملکرد تشکیلات بود. در این بخش ابتدا، توضیحاتی توسط رفقای کمیته اجرایی پیرامون گزارش عملکرد تشکیلات به نشست ارائه شد. سپس به سوالاتی که در این مورد مطرح گردید، پاسخ داده شد. آنگاه بررسی و بحث درباره عملکرد تشکیلات آغاز گردید. بحث‌ها و نظرات ارائه شده در این مورد، عموماً دو جنبه از عملکرد تشکیلات را در بر می‌گرفت. هم جنبه‌های مثبت و هم جنبه‌هایی که به نقائص کار در این دوره اشاره داشت. پس از انجام دو دور بحث، هیات رئیسه یک جمع بندی کوتاه از بحث‌هایی که توسط رفقا مطرح شده بود به عمل آورد و برای تصمیم‌گیری و تصویب آن را به نشست ارائه داد. جمع بندی هیات رئیسه از بحث‌های ارائه شده پیرامون گزارش عملکرد تشکیلات به شرح زیر است. کنفرانس دوازدهم سازمان، ضمن تأیید کلیت گزارش تشکیلاتی کمیته اجرایی، در جزئیات بر موارد زیر تأکید می‌نماید:

در ارتباط با سازماندهی تشکیلات خارج کشور مصوبه کنفرانس یازدهم در این مورد، این مصوبه مرحله اجرا گذاشته نشده است و یکی از نقاط ضعف عملکرد تشکیلات در دوره دو سال گذشته بوده است. کنفرانس خاطر نشان می‌سازد، تعدادی از رفقای تشکیلات طی این دوره، نقش فعالی در همکاری با کمیته اجرایی و پیشبرد وظایف تشکیلاتی نداشته‌اند، در حالیکه وظیفه هر عضو تشکیلات است که در پیشبرد مصویبات کنفرانس‌های سازمان و فعالیت‌های تشکیلاتی، نقش فعال داشته باشند. رفقای کمیته اجرایی دوره آتی باید این مسأله را در نظر بگیرند تا از تکرار و ادامه آن خودداری شود. در ارتباط با فعالیت رادیو نیز، اگر چه کمیته رادیو در این دوره برای تداوم کار و فعالیت رادیو تلاش نموده است، معهداً هم‌آهنگی لازم را در درون این بخش ایجاد ننموده است.

کنفرانس دوازدهم، بر این نکته تأکید دارد که در سازماندهی نیروهای تشکیلات، باید کارایی نیروهای تشکیلات را در انجام وظایف تشکیلاتی مدنظر قرار داد. کنفرانس همچنین تأکید دارد، در دوره گذشته یکی از نقاط ضعف تشکیلاتی سازمان، عدم حضور فعال و متشکل در مبارزات جاری محل زندگی رفقا بوده است.

این جمع بندی به رای‌گیری کنفرانس گذاشته شد و با اکثریت مطلق آراء به تصویب رسید.

سپس قطعنامه پیشنهادی یکی از رفقا در مورد چند بند اساسنامه‌ای پیرامون جایگاه و حدود اختیارات کمیته مرکزی از جمله حذف حق برگماری کمیته مرکزی در ارگان‌های پایین‌تر که در بولتن مباحثات ویژه کنفرانس نیز انتشار

یافته بود، در دستور کار کنفرانس قرار گرفت. در این مورد علاوه بر رفیق پیشنهاد دهنده قطعنامه، رفقای دیگر نیز به بحث و اظهارنظر پرداخته و عموماً بر ضرورت وجود این بندها در اساسنامه تأکید نمودند. پس از انجام یک دور بحث در این مورد، این قطعنامه، پیش از رای‌گیری توسط رفیق پیشنهاد دهنده، پس گرفته شد و به این ترتیب از دستور کار کنفرانس خارج شد.

در بخش بعدی بحث‌های مفصلی پیرامون سازماندهی تشکیلات در دوره دو ساله آتی صورت گرفت. در کنفرانس دوازدهم سازمان و در بحث‌ها و پیشنهادات رفقا برای سازماندهی، جابه‌جا بر اهمیت مبارزات داخل کشور و ضرورت دخالت‌گری سازمان تأکید می‌شد. کنفرانس؛ با توجه به اوضاع سیاسی و روند تحولات داخل کشور بار دیگر بر تمرکز تمام امکانات و فعالیت‌های بخش‌های مختلف تشکیلات در خدمت مبارزات توده‌های مردم و سازماندهی طبقه کارگر تأکید نمود.

در بحث‌های مربوط به سازماندهی، کنفرانس دوازدهم مصراً تأکید نمود که همه رفقا باید در فعالیت‌های سیاسی در محیط زندگی خود حضور فعال داشته باشند.

پس از پایان بحث‌های مربوط به سازماندهی تشکیلات، پیام مکتوبی که از رفقای داخل برای کنفرانس ارسال شده بود قرائت گردید که مورد استقبال رفقای شرکت‌کننده در کنفرانس قرار گرفت.

آخرین موضوع در بخش مربوط به امور تشکیلاتی، انتخاب رهبری سازمان بود و کنفرانس، اعضای کمیته اجرایی جدید را نیز انتخاب نمود.

نیمه دوم کنفرانس، به قطعنامه‌های سیاسی و تاکتیکی اختصاص داشت که با حضور مهمانان برگزار گردید. در این بخش ابتدا "قطعنامه در مورد اوضاع سیاسی و وظایف تاکتیکی ما" مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در آغاز، یکی از رفقا توضیحاتی پیرامون این قطعنامه به کنفرانس ارائه داد. سپس دو دور بحث در مورد آن انجام گرفت و پس از آن کلیت قطعنامه به رای گذاشته شد که با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید. پیشنهادهای نیز در جزئیات عنوان گردید که قرار شد این پیشنهادات در قطعنامه وارد شوند. سپس قطعنامه در مورد جنبش کارگری به بحث و بررسی گذاشته شد. در این مورد نیز یکی از رفقا توضیحاتی پیرامون قطعنامه ارائه داد و پس از دو دور بحث، کلیت قطعنامه با اکثریت قاطع آراء به تصویب رسید. در اینجا نیز پیشنهادهای در جزئیات مطرح گردید که قرار شد این پیشنهادات در قطعنامه گنجانده شوند.

در بحث‌های مربوط به قطعنامه جنبش

کارگری، به این موضوع مهم نیز اشاره شد که با توجه به ارزیابی از اوضاع سیاسی و چشم انداز گسترش اعتصابات، به ویژه طرح شعار اعتصاب عمومی سیاسی که نیروی اصلی آن طبقه کارگر است، طبقه کارگر برای روی آوری به اعتصابات وسیع و دراز مدت، به یک پشتوانه مالی قوی نیاز دارد که برای آن باید چاره‌ای اندیشیده شود. در همین رابطه بر ضرورت حمایت مالی از کارگران و به ویژه بر ضرورت ایجاد یک صندوق اعتصاب توسط نیروهای مدافع و معتمدین طبقه کارگر، تأکید شد.

قطعنامه بعدی که در دستور کار کنفرانس قرار گرفت، قطعنامه در مورد جنبش زنان بود. در این مورد نیز ابتدا یکی از رفقای کمیته اجرایی توضیحات مختصری ارائه داد. در بحث‌هایی که در طی دو دور پیرامون این قطعنامه توسط رفقا در کنفرانس ارائه گردید، بر این مسأله تأکید شد که باید تغییراتی در شکل و نحوه تنظیم قطعنامه و بیان مطالبات زنان ایجاد شود. پیشنهادات دیگری نیز در جزئیات مطرح شد. کلیت قطعنامه با اکثریت مطلق آراء به تصویب رسید و قرار شد این قطعنامه مجدداً تنظیم شود و پیشنهادات مطروحه نیز در آن وارد شوند.

سپس نوبت به قطعنامه پیشنهادی پیرامون آوردن لغو مجازات اعدام در برنامه سازمان رسید که قبلاً در بولتن ویژه مباحثات کنفرانس نیز انتشار یافته بود. در این مورد نیز ابتدا رفیق پیشنهاد دهنده قطعنامه توضیحاتی داد. فشرده استدلال‌ها برای وارد کردن لغو مجازات اعدام در برنامه عمدتاً به این مضمون بود که "از آنجا که کمونیست‌ها برای جامعه‌ای کمونیستی به منظور رشد و تعالی انسان‌ها به عنوان یک وظیفه تلاش می‌کنند و از آنجا که مجازات اعدام و حذف فیزیکی انسان‌ها توسط نظام‌های طبقاتی برای حفظ وضع موجود وضع گردیده است و از اعدام به عنوان وسیله‌ای برای مجازات مخالفین سیاسی استفاده می‌کنند و بیشتر کشورهای جهان مجازات اعدام را از نظر حقوقی ملغی کرده‌اند. مجازات اعدام نقض زندگی و حق انسانی برای زیستن است و هیچ طبقه‌ای هیچ جامعه‌ای هیچ نیرویی و هیچ کسی حق محروم کردن کسی را از زندگی ندارد و با مجازات اعدام معضلات اجتماعی حل نخواهد شد، از این رو لغو مجازات اعدام باید در برنامه وارد شود."

رفقای که در مخالفت با وارد کردن این اصل در برنامه صحبت کردند، عمدتاً تأکید داشتند که مخالف اجرای مجازات اعدام توسط دولت‌ها هستند و این موضع نیز در اطلاعیه‌ها و مقالات رسمی سازمان منعکس شده است. این رفقا استدلال می‌کردند که وارد کردن لغو اعدام در

قطعنامه در مورد اوضاع سیاسی و وظائف تاکتیکی ما

۲- بحرانی با این وسعت و ژرفا، بیانگر حدت بی سابقه تضادهای نظام سرمایه داری است که نمی توانند راه حلی در چارچوب مناسبات اقتصادی موجود پیدا کنند، بلکه نفی نظام سرمایه داری و الغاء مالکیت خصوصی را می طلبند که چیز دیگری جز سوسیالیسم نخواهد بود.

بحران اقتصادی نظام سرمایه داری جهانی، تنها یک وجه از بحران عمومی و همه جانبه این نظام در عرصه های مختلف اقتصادی- اجتماعی و سیاسی است. تمام عرصه های نظام سرمایه داری با بحران رو به روست. تلاطمات سیاسی، بی ثباتی سیاسی در بخش هایی از جهان سرمایه داری، رشد بنیادگرایی اسلامی در مناطقی از جهان، پدیده تروریسم جهانی، جنگها و لشکرکشی های نظامی قدرتهای امپریالیست جهان، ناتوانی قدرت های بزرگ از حل معضلات سیاسی جهان، همگی بازتاب پوسیدگی بی انتهای نظامی است که سیر زوال را می پیماید.

۳- تشدید تضادهای نظام سرمایه داری که بحران اقتصادی کنونی، بارزترین تجلی آن است، چشم انداز وسیع تری را برای بسط مبارزه طبقاتی، رشد مبارزات و اعتراضات توده ای در تمام کشورهای جهان گشوده است. تضاد طبقه کارگر با طبقه سرمایه دار تشدید شده است. در طول دو سال گذشته، تظاهرات و اعتصابات میلیونی متعددی در تعدادی از کشورهای اروپایی رخ داده است. در منطقه آمریکای لاتین تقویت رشد گرایشهای چپ در میان توده های کارگر و زحمتکش، عجالتا به سرنگونی رژیم های دست راستی و قدرت گیری چپ ترین جناح بورژوازی در تعدادی از این کشورها انجامیده است.

مناطق وسیعی از آسیا عرصه کشمکش ها و درگیری های نظامی است. خاورمیانه در محور این تضادها و درگیری ها قرار گرفته است.

تضاد کشورهای بخش عقب مانده تر جهان سرمایه داری با کشورهای پیشرفته تر، به ویژه در پی بحران اقتصادی کنونی که به فقر و فلاکت گسترده انجامیده، ابعاد شدیدتری به خود گرفته است. در این شرایط، تضاد میان قدرت های امپریالیست جهان نیز، مدام تشدید شده است. اختلافات روزافزون روسیه و چین با قدرت های اروپایی و آمریکا و افزایش مسابقه تسلیحاتی، بارزترین نمود این تشدید تضادهاست.

۴- در دوران امپریالیسم، در شرایطی که سرمایه به منتهای درجه بین المللی شده است و سیاست موسوم به جهانی سازی، تمام کشورهای جهان را هر چه بیشتر به حلقه های جدائی ناپذیری از کل سیستم جهانی سرمایه داری و ادغام شده در بازار جهانی، تبدیل کرده است، وقوع انقلاب اجتماعی که اکنون بیش از هر زمان دیگر اجتناب ناپذیر شده است، الزام نخست در پیشرفته ترین کشورهای سرمایه داری رخ نخواهد داد، بلکه در آنجائی رخ می دهد که ضعیف ترین حلقه در این سیستم است.

جامعه ایران، یکی از نمونه های بارز این حلقه ضعیف است. چرا که در اینجا تمام تضادهای نظام سرمایه داری، تضاد کار و سرمایه، تضاد قدرت های امپریالیست، تضاد میان بخش عقب مانده و پیشرفته جهان سرمایه داری، تضاد مناسبات اقتصادی موجود با روبنای سیاسی آغشته به نهادهای قرون وسطائی و در محور آن دولت مذهبی که عموم توده های مردم را به مبارزه علیه رژیم سیاسی حاکم و روبنای سیاسی آن، سوق داده است، در حادثترین شکل آن، به هم گره خورده و مستعدترین کشور در لحظه کنونی برای یک انقلاب است.

۵- بر مبنای همین ارزیابی بود که قطعنامه کنفرانس یازدهم سازمان به درستی نتیجه گیری کرد که "متمثل ترین حالت، روال عادی تحول اوضاع برخاسته از وضعیت درونی جامعه، تشدید تضادها و بحران ها، تشدید مبارزات کارگران و زحمتکشان مردم ایران است. این مبارزه در مرحله ای می تواند با توجه به شرایط مناسب بین المللی، به اعتلاء وسیع و پرحامنه جنبش اعتراضی و حتی وقوع یک انقلاب بیانجامد." روند تحول اوضاع سیاسی، کاملا این ارزیابی کنفرانس یازدهم را تأیید نمود.

آنچه که در طول این دو سال رخ داد، تشدید مداوم تضادها، عمیق تر شدن بحرانها و رشد مبارزات به مرحله ای نوین بود که وقوع یک بحران انقلابی، بارزترین تجلی آن است.

در این فاصله، اوضاع اقتصادی جامعه، بحرانی تر از هر زمان دیگر شد. ادامه سیاست اقتصادی نئولیبرال از سوی دولت، رکود را عمیق تر و نرخ تورم سالانه را به بالای ۳۰ درصد افزایش داد. بحران اقتصادی جهان نیز چنان تأثیری بر اقتصاد بحران زده ایران بر جای نهاد که در مرحله ای بازار

بورس عملا از هم پاشید. کاهش درآمد دولت از فروش نفت و راکد ماندن فروش موسسات دولتی در نتیجه بحران، سرمایه گذاری های دولتی را نیز شدیداً کاهش داد. نتیجتاً رکود عمیق تر شد. با عمیق تر شدن بحران مزمن موجود، صدها هزار تن از کارگران کار خود را از دست دادند. علاوه بر این، جوانانی که به بازار کار سرازیر شدند، اکثر آنها بدون یافتن کار، به اردوی بیکاران پیوستند. به رغم ادعای کذب دولت مبنی بر نرخ بیکاری ۱۱/۵ درصد و وجود ۲ تا ۲/۵ میلیون بیکار، جمعیت بیکاران به مراتب از ۵ میلیون نیز فراتر است. موسسات آماری رژیم، نرخ بیکاری را در میان جوانان تا ۲۵ درصد و تعدادی از استانها را ۱۵ تا ۲۰ درصد اعلام کرده اند. این رشد بیکاری، به همراه کاهش دستمزد واقعی کارگران و افزایش سرسام آور نرخ تورم در طول دو سال گذشته، شرایط مادی و معیشتی عموم کارگران و زحمتکشان را بیش از پیش وخیم ساخت و منجر به گسترش اعتراضات و مبارزات کارگری گردید.

در حالی که بحران اقتصادی جهان همچنان ادامه دارد، درآمدهای دولت از فروش نفت حدوداً ۴۰ درصد کاهش یافته، رژیم با یک بحران سیاسی ژرف رو به روست و در نتیجه این مساله و ایضا تضادها و اختلافات جمهوری اسلامی با برخی قدرت های جهان سرمایه داری، که دامنه سرمایه گذاری های خارجی را محدودتر کرده است، هیچ چشم اندازی برای بهبود اوضاع اقتصادی و تخفیف بحران مزمنی که همزاد جمهوری اسلامی است وجود ندارد. آنچه که در چشم انداز قرار دارد، عمیق تر شدن بحران اقتصادی و وخیم تر شدن وضعیت مادی و معیشتی توده های وسیع کارگر و زحمتکش است.

۶- همانگونه که قطعنامه های کنفرانس یازدهم سازمان ارزیابی کرده بود، جمهوری اسلامی در شرایطی که با بحران های همه جانبه در عرصه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رو به روست و دامنه اعتراض و مبارزه توده ها پیوسته وسعت می یابد، در طول دو سال گذشته تلاش نمود با تشدید اختناق و سرکوب، موج نارضایتی و اعتراضات توده ای را مهار کند. لذا در این دوره، تشدید اختناق و سلب ابتدائی ترین حقوق و آزادی های مردم به نهایت خود رسید. حتی انتشار مجدد آثار برخی نویسندگان که پیش از این، از مرحله سانسور گذشته بودند، ممنوع گردید. چند هزار سایت و وبلاگ های غیردولتی بسته شدند. روزنامه های نیمه دولتی و اغلب وابسته به جناح رقیب تحت شدیدترین سانسور قرار گرفتند، یا به کلی تعطیل شدند. روش های جدیدی با استفاده از پیشرفته ترین تکنولوژی ها و امکانات شرکت های انحصاری بین المللی برای فیلتر کردن سایت های اینترنتی مخالفین، ایجاد اختلال در امواج فرستنده های رادیو-تلویزیونی، کنترل تلفن های موبایل و شنود، به کار گرفته شد. هر تجمع و اعتراضی به شدت سرکوب گردید. جمهوری اسلامی در طول دو سال گذشته، تقریباً تمام فعالان علنی جنبش های اجتماعی، کارگران، زنان، معلمان و دانشجویان را دستگیر و به اشکال و بهانه های مختلف محکوم کرد. گروهی را از کار اخراج نمود. گروهی از آنها به حبس محکوم شدند. برخی تبعید گردیدند. اغلب آنها نیز به حبس و شلاق تعلیقی محکوم شدند تا از این طریق مانعی بر سر راه ادامه فعالیت آنها ایجاد شود.

با اجرای پی در پی طرح های موسوم به امنیت اجتماعی، به ویژه زنان و جوانان، در کوچه و خیابان و محل کار در معرض شدیدترین و بیرحمانه ترین فشار و سرکوب قرار گرفتند. جمهوری اسلامی به بهانه دستگیری اراذل و اوباش، حملات شبانه به منازل مسکونی مردم، همراه با تیراندازی، تلاش نمود جو رعب و وحشت را در جامعه ایجاد کند. به دار کشیدن صدها تن از مردم به اتهامات مختلف در ملاء عام، نیز در جهت همین سیاست ایجاد رعب و وحشت بود. پس از سال های دهه ۶۰، مردم ایران در دوره زمامداری احمدی نژاد با بیشترین فشار سیاسی، سرکوب و اختناق روبرو شدند. معزاً تمام این فشارها نیز نتوانست، رشد نارضایتی و مبارزه توده مردم را تحت کنترل درآورد، بالعکس تضاد توده مردم را با رژیم تشدید نمود.

۷- تشدید تضادها و بحران هایی که جمهوری اسلامی با آنها رو به روست، رشد نارضایتی، اعتراض و مبارزات توده های مردم، شکست سیاست های دولت، مجموعاً تأثیر خود را بر تشدید تضادها و اختلافات در درون طبقه حاکم و هیات حاکمه بر جای نهاد. گروه های موسوم به اصلاح طلب که در طول دوره چهار سال نخست زمامداری احمدی نژاد، موقعیت سیاسی شان در دستگاه دولتی مدام تضعیف گردید و نتیجتاً منافع اقتصادی آنها نیز لطمه دید، در این دوره، از طریق نفوذی که در برخی نهادها و ارگان های رژیم داشتند، و نیز امکانات تبلیغاتی خود، به مقابله با جناح حاکم برخاستند. این تضادها و اختلافات در جریان انتخابات ریاست جمهوری رژیم به اوج خود رسید.

رژیم، نمی‌توانست به سدی بر سر راه گسترش اعتراضات و مبارزات تبدیل شود. لذا مبارزات توده‌های مردم ادامه و گسترش یافت.

کارگران نه فقط در طی این دوره در صدها مورد بر سر مطالبات صنفی و اقتصادی خود، به اعتصاب، گرد هم آئی‌های اعتراضی، راهپیمایی و تظاهرات روی آوردند، بلکه پیگیرتر از گذشته برای اجرای عملی برخی از مطالبات سیاسی خود، نظیر تشکل مستقل کارگری، اقدام نمودند. موفق‌ترین مبارزات کارگری در این عرصه، ایجاد تشکل مستقل سندیکائی کارگران هفت‌تپه بود. فعالان زنان، به رغم این که در این دوره همواره یا در دانشگاه یا در زندان بودند، شجاعانه به مبارزات خود برای تحقق مطالبه برابری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد و رفع تبعیض‌های کنونی ادامه دادند. معلمان، اعتصابات سراسری برپا نمودند که ده‌ها هزار تن در این اعتصابات شرکت کردند. در مناطقی از ایران که مردم با تبعیض و ستمگری ملی رو به رو می‌باشند، مبارزات علیه تبعیض، نابرابری و ستم ملی ادامه داشت. دانشگاه‌ها یک لحظه آرام نبود و همواره عرصه درگیری دانشجویان با رژیم حاکم بود.

تداوم مبارزات توده‌ای، به بالاترین مرحله خود، در اعتلاء جنبش توده‌ای، پس از "انتخابات" ۲۲ خرداد، رسید. با راهپیمایی‌های میلیونی، گرد هم آئی‌ها و تظاهرات و راهپیمایی‌های ده‌ها و صدها هزار نفره در تهران و برخی شهرهای دیگر نظیر اصفهان، شیراز و ده‌ها شهر دیگر، مرحله کیفیتا جدیدی در مبارزات مردم ایران فرا رسید و به یک بحران انقلابی شکل داد.

از آن پس، این مبارزات، در شکل‌های متعدد همچنان ادامه یافته است. اشکال مبارزاتی توده‌های مردم و ارتقاء مداوم سطح شعارهای آنها، ادامه و بسط مبارزات به رغم وحشی‌گری ارگان‌های سرکوب رژیم، (کشتار ده‌ها تن از مبارزان، دستگیری حداقل چهار هزارتن بر طبق آمار رسمی دولتی، محاکمات فرمایشی، شکنجه و تجاوز جنسی در زندانها) همگی نشان دهنده این واقعیت‌اند که مردم، دیگر به چیزی کمتر از سرنگونی جمهوری اسلامی رضایت نمی‌دهند. تظاهرات توده‌ای در روز قدس و ۱۳ آبان، آشکارا این حقیقت را نشان داده است. جمهوری اسلامی هیچ راه حلی برای تخفیف تضادها و بحران‌ها در چارچوب قوانین و نهادهای نظم موجود ندارد. اگر تا پیش از بحران سیاسی اخیر، این امکان هنوز برای جناح موسوم به اصلاح طلب، گروه‌های اپوزیسیون بورژوائی و جریانات رفرمیست و قانون‌گرا وجود داشت که در مورد راه‌های قانونی اصلاح امور و تحقق مطالبات فوری مردم توهم پراکنی کنند، اکنون دیگر شکست کامل این گروه‌ها و ادعاهای آنها، بر همگان آشکار شده است.

لذا با توجه به تشدید روزافزون تضادهای موجود و عمیق‌تر شدن تمام بحران‌هایی که پیش از این به آنها اشاره شد، محتمل‌ترین روند تحول اوضاع سیاسی، ژرفتر شدن بحران انقلابی، ادامه و اعتلاء مبارزات، تا سرنگونی جمهوری اسلامی است.

۱۰- شکل‌گیری یک بحران انقلابی در ایران، به معنای فرا رسیدن یک دوران انقلابی جدید در زندگی سیاسی و مبارزاتی مردم ایران است. در چنین دورانی توده‌های مردم هر روز، به اندازه تمام سال‌های دوران رخوت و رکود سیاسی می‌آموزند، آگاه می‌شوند و به اشکال عالی‌تری از مبارزه برای دگرگونی وضع موجود روی می‌آورند. این، یک دوران اشکال بسیار متنوع مبارزه، تغییر و تحولات سریع سیاسی و نیز تغییر مداوم تاکتیک‌های طبقه حاکم خواهد بود.

موجودیت جمهوری اسلامی، همواره بر سرکوب و اختناق بنا شده است. مادام که ما در نخستین مراحل بحران انقلابی قرار داریم و دامنه جنبش نتوانسته است، وسیع‌ترین بخش توده‌های کارگر و زحمتکش را در بر گیرد، رژیم با توسل به خشن‌ترین تاکتیک سرکوب، تلاش خواهد کرد، اوضاع را تحت کنترل درآورد. اما این بدان معنا نخواهد بود که طبقه حاکم تا لحظه قیام مسلحانه توده مردم، همواره همین تاکتیک را در دستور کار خواهد داشت.

چنانچه وسعت و اعتلاء جنبش توده‌ای به مرحله‌ای ارتقاء یابد، که واقعا دیگر کاری از دست نیروهای سرکوب رژیم ساخته نباشد، در آن صورت طبقه حاکم تغییر تاکتیک خواهد داد و تلاش خواهد کرد با دادن برخی امتیازات به توده مردم و جا به جایی سیاسی گروهی از طبقه حاکم در قدرت سیاسی، اوضاع را تحت کنترل درآورد. تحت شرایطی، این هر دو تاکتیک را در هم ادغام خواهد کرد. حتی اگر اوضاع از هر جهت غیر قابل کنترل شود، این نیز محتمل است که گروه‌هایی از اپوزیسیون‌های بورژوائی را بر سر کار آورند تا مانع قیام مسلحانه و سرنگونی کلیت ارگان‌ها و نهادهای جمهوری اسلامی گردند. در این دوران، تمام این حالات را بسته به دامنه و وسعت جنبش، اشکال مبارزات توده‌ای، سازمان یافتگی، آگاهی و رهبری جنبش و مطالبات مردم باید محتمل دانست. طبقه حاکم از تمام شیوه‌ها استفاده خواهد

گرچه پیشاپیش روشن بود که جناح مسلط اجازه نخواهد داد، جناح رقیب مجددا در راس دولت قرار بگیرد و به هر شکل ممکن می‌بایستی دوره زمامداری احمدی‌نژاد، چهار سال دیگر هم تمدید شود، اما زیر فشار مجموعه‌ای از شرایط داخلی و بین‌المللی، و از جمله برای کشاندن مردم به پای صندوق رای، ناگزیر شد، رقابت بالنسبه آزاد بین دو جناح را در دوره پیش از انتخابات بپذیرد. اما خود این مساله در شرایط حدت تضادها و اختلافات در بالا، به درگیری سیاسی و افشاکاری‌هایی علیه یکدیگر انجامید که در طول تمام دوره حیات جمهوری اسلامی بی‌سابقه بود. پوشیده نبود که نتیجه انتخابات هر چه باشد، پی‌آمد آن درگیری حادث‌تری خواهد بود. روند تحول اوضاع نیز در همین جهت سیر کرد و از فردای اعلام پیروزی احمدی‌نژاد، این درگیری ابعاد چنان وسیعی به خود گرفت که حتی به دستگیری و محاکمه برخی از سران جناح موسوم به اصلاح‌طلب انجامید. در حالی که نزاع این دو جناح ادامه داشت، در درون جناح مسلط نیز شکاف‌های تازه‌ای رخ داد. شکست سیاست‌های داخلی و خارجی احمدی‌نژاد که به تشدید تضادهای داخلی و بین‌المللی جمهوری اسلامی انجامید، منجر به اختلافات در درون جناح مسلط گردید. این اختلافات در شکل علنی آن میان مجلس و دولت بروز کرد و ادامه یافت.

اکنون نه فقط جمهوری اسلامی با نزاع و کشمکش دو جناح، بلکه مجموعه‌ای از تضادها، اختلافات، نزاع و کشمکش‌های درونی رو به روست. هیات حاکمه با شکاف‌های عمیق درونی درگیر است. با توجه به تمام شرایط اقتصادی- سیاسی حاکم بر جامعه، هیچ چشم‌اندازی برای غلبه رژیم بر این شکاف‌های درونی وجود ندارد. بالعکس این تضادها و اختلافات در درون طبقه حاکم مدام تشدید خواهد شد و جمهوری اسلامی نه فقط با شکاف‌های درونی طبقه حاکم، بلکه با شکاف‌های عمیق‌تر در سراسر دستگاه دولتی رو به رو خواهد شد.

۸- جمهوری اسلامی علاوه بر بحران‌های داخلی، در طول دو سال گذشته با بحران‌های متعدد در عرصه سیاست خارجی رو به رو بوده است. سیاست خارجی رژیم که ادامه سیاست داخلی ارتجاعی آن در خارج از کشور و در عرصه مناسبات بین‌المللی است، توسعه طلبی پان‌اسلامیستی و تلاش برای تقویت جنبش‌ها و گروه‌های اسلام‌گرا و ایجاد دولت‌های مذهبی از نمونه جمهوری اسلامی ایران در محور آن قرار دارد. این سیاست همواره منجر به تشدید تضادها و اختلافات رژیم با دولت‌هایی شده است که به نحوی درگیر مقابله با این سیاست جمهوری اسلامی شده‌اند. در دوره زمامداری احمدی‌نژاد این سیاست با شدت و حدت بیشتری ادامه یافت و نتیجتاً تضادهای جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی به درجه بحران‌های متعدد رشد کرد. مناسبات جمهوری اسلامی با مهم‌ترین قدرت‌های جهان سرمایه‌داری، بیش از پیش با تنش همراه گردید. مناسبات با اکثریت دولت‌های عربی منطقه نیز در این دوره با وخامت بیشتری رو به رو بوده است. در ظاهر امر چنین به نظر می‌رسد و یا وانمود می‌شود که تمام نزاع بر سر مساله هسته‌ای جمهوری اسلامی است. اما در واقعیت، مساله غنی‌سازی صرفا توجیه و پوششی برای مسائل مورد اختلاف بزرگتر است. این مساله فقط از آن رو برجسته شده است که با دستیابی جمهوری اسلامی به سلاح هسته‌ای، کل توازن نظامی و سیاسی منطقه بر هم خواهد خورد. چیزی که تمام قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای مخالف آن هستند و از حفظ وضع موجود دفاع می‌کنند. اساس اختلاف در همان سیاست خارجی توسعه طلبانه پان‌اسلامیستی جمهوری اسلامی است که هم با توسعه‌طلبی امپریالیستی و هم با منافع دولت‌های منطقه خاورمیانه، اصطکاک پیدا می‌کند و به تشدید تضادها و درگیری‌ها می‌انجامد. حتی پیش از آن که دستیابی جمهوری اسلامی به تکنولوژی هسته‌ای پیش آید، این تضادها و درگیری‌ها نیز وجود داشت. در نتیجه همین سیاست خارجی است که جمهوری اسلامی در عرصه بین‌المللی، نه با این یا آن کشور، بلکه با یک جبهه گسترده، در مقابل خود رو به روست. مادام که جمهوری اسلامی وجود دارد، این سیاست خارجی جزئی جدایی‌ناپذیر از این رژیم خواهد بود. لذا چشم‌اندازی نیز برای تخفیف تضادهای رژیم در عرصه بین‌المللی وجود ندارد. آنچه که هم اکنون شاهد آن هستیم، تشدید این تضادهاست.

در شرایطی که جمهوری اسلامی با یک بحران سیاسی عمیق در داخل رو به روست، تردیدی نیست که تضادها و بحران‌های بین‌المللی جمهوری اسلامی تشدید خواهد شد.

۹- در طول دو سال گذشته، در شرایطی که بحران‌های متعدد رژیم عمیق‌تر می‌شد، و در نتیجه وخامت روز افزون وضعیت مادی و معیشتی توده‌های زحمتکش و تشدید سرکوب و اختناق، تضاد میان توده مردم با رژیم جمهوری اسلامی ایران بیش از پیش تشدید می‌شد، اقدامات سرکوب‌گرانه

خلاصه ای از اطلاعاتی های سازمان

در تاریخ ۸ آذر ماه، سازمان اطلاعاتی‌ای انتشار داد با عنوان "هشدار به فعالین و هواداران سازمان" این اطلاعاتی به شرح زیر است:

"برطبق گزارشاتی که به سازمان رسیده، اخیراً دیده شده است، افرادی که خود را در ایران، مرتبط با سازمان معرفی می‌کنند، ضمن تماس با فعالین سیاسی که ممکن است در میان آنها هواداران سازمان نیز وجود داشته باشند، پیشنهادهای برای همکاری و حتا رد و بدل کردن سلاح می‌کنند. سازمان هرگونه چنین رابطه‌هایی را تکذیب می‌کند. اکیدا توصیه می‌شود از ارتباط با افرادی که شناخت دقیقی از آنها ندارید، خودداری نمایید. هرگونه ارتباطی با سازمان فقط از کانال‌های رسمی و تایید شده صورت خواهد گرفت. برای اطمینان از تماسهایی که با شما گرفته می‌شود، از طریق تلفن و یا ای-میل سازمان با ما تماس بگیرید."

" پاسخ کوبنده جنبش سرخ انقلابی دانشجویان و مردم مبارز به مرتجعین" عنوان اطلاعاتی‌ای است که در تاریخ ۱۶ آذر انتشار یافت. در این اطلاعاتی آمده است: " دانشجویان مبارز دانشگاه‌های سراسر کشور و توده‌های قهرمان مردم تهران، روز ۱۶ آذر حماسه آفریدند و بار دیگر پاسخی کوبنده به تمام مرتجعینی دادند که در برابر مردم، مبارزات و مطالبات آنها قرار گرفته بودند.

در طول چند روز گذشته ارگان‌های سرکوب رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پی در پی به تهدید متوسل شدند تا دانشجویان و مردم مبارز ایران را از برپائی تظاهرات در ۱۶ آذر باز دارند. روز ۱۶ آذر نیز نیروهای مسلح رژیم در خیابانها مستقر شدند، تا مانع از برپائی تظاهرات گردند. با این همه، ۱۶ آذر امسال به عرصه قدرت‌نمایی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی تبدیل گردید. دانشجویان در سراسر کشور، در دانشگاه‌های تهران، شیراز، مشهد، سمنان، تبریز، کرمان، کرج، ایلام، همدان، اصفهان، اهواز، قزوین و تعداد دیگری از شهرها، به تظاهرات روی آوردند. این تظاهرات در تهران ابعاد وسیعی به خود گرفت. مردم تهران به رغم لشکرکشی رژیم، تظاهرات ۱۶ آذر را در خیابان‌ها سازمان دادند. در حالی که گروه‌های طرفداران موسوی و کروبی برای جلوگیری از تظاهرات مردم تهران در خیابان‌ها از دانشجویان و مردم خواسته بودند که مراسم ۱۶ آذر را در سالن‌های دربسته و چار دیواری دانشگاه‌ها برگزار کنند، مردم تهران اما تظاهرات را در خیابان‌ها برگزار کردند و دانشجویان مبارز نیز درب‌های بسته برخی دانشگاه‌ها را شکستند و به تظاهرات مردم در خیابان‌ها علیه جمهوری اسلامی پیوستند.

تظاهرات قهرمانانه توده‌های مردم مبارزه تهران و دانشجویان در ۱۶ آذر، با شعارهای کوبنده مرگ بر دیکتاتور، مرگ بر خامنه‌ای، مرگ بر جمهوری اسلامی، و به آتش کشیدن عکس‌های خمینی، خامنه‌ای و احمدی نژاد، بار دیگر نشان داد که جنبش انقلابی مردم ایران هیچ قرابتی با سبزه پوشانی که شعار می‌دهند " جمهوری اسلامی نه یک کلمه کمتر و نه بیشتر" ندارد. مردم ایران خواهان برافتادن جمهوری اسلامی در کلیت آن هستند. مردم ایران خواهان جدائی کامل دین از دولت‌اند. مردم ایران خواهان استقرار حکومتی هستند که بدون هرگونه قید و شرط، آزادی‌های ساسی مردم در آن به رسمیت شناخته شود. مردم ایران خواهان به دست گرفتن سرنوشت خود از طریق یک حکومت شورانی هستند. لذا جنبش این مردم، جنبشی انقلابی و سرخ است. تظاهرات ۱۶ آذر نیز همین واقعیت را نشان داد."

کرد تا جنبش توده‌های مردم و انقلاب آنها را درهم شکنند.

۱۱- متقابلاً وظیفه هر سازمان کمونیست و انقلابی‌ست که برای خنثی سازی تاکتیک‌های مختلف طبقه حاکم و پیروزی انقلاب تلاش کند.

یکی از نقاط ضعف کنونی جنبش، نه فقط فقدان یک رهبری انقلابی، بلکه اصلاً نبود رهبری و هدف روشن است. به عبارتی، علی‌رغم عمده بودن شکل سیاسی جنبش، جنبشی خود انگیخته است. در این جنبش که هنوز مراحل اولیه یک جنبش بزرگ توده‌ای و سراسری‌ست، نه فقط طبقه کارگر، به عنوان یک نیروی توده‌ای و مستقل حضور ندارد، بلکه در کل، عموم توده‌های زحمتکش هنوز وارد عرصه نشده‌اند. ترکیب کنونی جنبش عمدتاً متشکل از جوانان و زنان، بخشی از دانشجویان و گروهی از خرده بورژوازی بالنسبه مرفه تر بالای شهرها است. جریانات بورژوائی اپوزیسیون غیرقانونی، قانونی و نیمه قانونی تاکنون تلاش کرده‌اند، با استفاده از امکانات داخلی و نیز تبلیغاتی - سیاسی رسانه‌های بخش فارسی قدرت‌های امپریالیست به ویژه آمریکا و انگلیس، رهبری این جنبش را از هم اکنون به دست بگیرند. اما تاکنون موفق نشده‌اند، چرا که حتی مطالبات جنبش محدود کنونی نیز فراتر از آن چیزی‌ست که این گروه‌ها خواهان آن هستند. این ضعف که ادامه آن حتی می‌تواند به بهای به تعویق افتادن تحولات تمام شود، تنها هنگامی می‌تواند برطرف گردد که توده‌های کارگر و زحمتکش به عرصه مبارزه سیاسی روی آورند.

تضادهای کنونی جامعه ایران و شکل‌گیری بحران انقلابی، البته این نوید را می‌دهد که توده‌های زحمتکش ولو با یک تاخیر فاز به پا خیزند و به جنبش سیاسی کنونی که هنوز مرحله گذار از یک جنبش لیبرال، به جنبشی دمکراتیک را طی می‌کند، شکل و محتوای نوینی بدهند.

۱۲- اما حل این مساله منوط است به عمیق‌تر شدن بحران انقلابی و روی آوری طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش به اعتصاب عمومی سیاسی. این اعتصاب البته در یک لحظه شکل نخواهد گرفت، بلکه برآمده از یک رشته مبارزات، به ویژه اعتصابات متعدد کوچک و بزرگ، حول مطالبات اقتصادی و سیاسی‌ست که سرانجام به اعتصاب عمومی سیاسی خواهد انجامید. اما کمونیست‌ها و کارگران پیشرو، به ویژه در شرایط بحرانی کنونی می‌توانند، این روند را تسریع کنند و با تلاش برای تشکیل کمیته‌های اعتصاب، نه فقط برای ارتقاء سطح کنونی مبارزه طبقه کارگر بکوشند، بلکه با شکل‌گیری اعتصاب عمومی سیاسی، مهر طبقه کارگر را بر جنبش و رهبری آن بکوبند. با شکل‌گیری اعتصاب عمومی سیاسی‌ست که طبقه کارگر به عنوان نیروی پر قدرت جنبش ظاهر خواهد شد و کمیته‌های اعتصاب با ایجاد کمیته هماهنگی اعتصاب، این امکان را می‌یابند که رهبری جنبش را در دست خود بگیرند. از درون همین کمیته‌های اعتصاب و ارتقاء آنهاست که شوراها به عنوان ارگان‌های قیام و اعمال حاکمیت توده‌ای پدیدار می‌گردند و می‌توانند انقلاب را به سرانجام پیروزمندش برسانند.

لذا سازمان ما در دوره پس از کنفرانس دوازدهم باید با تمام قوا تبلیغ خود را بر روی ایجاد کمیته‌های اعتصاب، برپائی اعتصاب عمومی سیاسی، ایجاد کمیته‌ها و شوراهای محلات، قیام مسلحانه، سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار یک قدرت شورائی قرار دهد.

باید این آمادگی را داشت که گام به گام با پیشرفت جنبش و اعتلاء آن، شعارهایی را که به استقرار یک دولت شورائی و برقراری حکومت شورائی کارگران و زحمتکشان خواهد انجامید، مطرح نمود. با اعتلاء جنبش و فراگیر شدن آن، شعارهای بورژوازی، فراندوم و مجلس موسسان خواهد بود. ما باید شعار و مطالبه‌کننده سراسری شوراهای کارگران و زحمتکشان را به عنوان بدیل شعارهای فراندوم و مجلس موسسان بورژوائی قرار دهیم. بورژوازی در مرحله‌ای دیگر، بدیل سرنگونی جمهوری اسلامی را جمهوری پارلمانی قرار خواهد داد. ما باید در آن شرایط، در حالی که شوراهای اعمال حاکمیت به درجه‌ای شکل گرفته باشند که توازن قوای طبقاتی، امکان برپائی‌کنگره سراسری شوراها را پدید آورده باشد، شعار جمهوری شورائی را بدیل آن قرار دهیم. در مراحل مختلفی که جنبش و انقلاب به آن گام خواهد نهاد، یکی از این شعارها به شعار محوری و عمده تبلیغی ما تبدیل خواهد شد.

در این دوران که احتمال عمیق‌تر شدن بحران انقلابی و فرا رسیدن موقعیت انقلابی وجود دارد، سازمان ما باید آمادگی برای گسترش فعالیت‌های خود را داشته باشد. سازمان، برای آن که بتواند وظائف خود را در جریان بحران سیاسی کنونی و تحول اوضاع به نفع طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش انجام دهد، باید اتحاد عمل‌های خود را بسط دهد.

زنده باد

استقلال طبقاتی کارگران

پیام شرکت کنندگان در کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به مردم مبارز ایران

کارگران و زحمتکشان، زنان، دانشجویان و جوانان مبارز، روشنفکران انقلابی، خانواده های جانبختگان راه آزادی و سوسیالیسم، فعالین و هواداران سازمان!

ما شرکت کنندگان در کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت) به شما درود می فرستیم. درود گرم ما به شما مردم قهرمانی که به نبردی حماسی و تاریخ ساز علیه یکی از ارتجاعی ترین، ضد انسانی ترین و بی رحم ترین رژیم های استبدادی تاریخ بشریت برخاسته اید. نبردی چنان افتخار آفرین که تحسین تمام توده های زحمتکش مردم سراسر جهان را برانگیخته است. عظمت این مبارزه صرفا در این نیست که ما توده های مردم ایران به رغم تمام وحشی گری های جمهوری اسلامی، با بی رحمانه ترین سرکوب و کشتار، استوار و پیگیر به مبارزه ادامه داده ایم، بلکه مبارزه ای تاریخ ساز است که دامنه تاثیرات آن از محدوده جامعه ایران فراتر می رود و با پیروزی قطعی، لااقل چهره سیاسی منطقه خاورمیانه را دگرگون خواهد ساخت.

از همین رو، بنا به اهمیت تاریخی این مبارزات است که مردم جهان، اخبار این مبارزه را با شور و اشتیاق دنبال می کنند، همبستگی خود را با این مبارزات اعلام می دارند و خود را در پیروزی توده های مردم ایران سهیم می دانند. لذا وظیفه سنگینی بر دوش توده های مردم ایران قرار گرفته است. ما باید با تشدید مبارزه، بر چیدن تمام نظم ارتجاعی موجود و استقرار نظمی نوین و نمونه وار در ایران، نشان دهیم که سزاوار این همبستگی و حمایت بین المللی توده های مردم سراسر جهان هستیم.

کارگران و زحمتکشان!

دیگر بر کسی پوشیده نیست که حاکمیت ننگین و ستمگرانه جمهوری اسلامی در ایران، عظیمترین صدمات را به مردم کارگر و زحمتکش وارد آورده است. ارمغان جمهوری اسلامی برای توده های کارگر و زحمتکش در این سی سال، جز تشدید استثمار، فقر، بی حقوقی و استبداد چیز دیگری نبوده است. نظم موجود، تمام زندگی مردم کارگر و زحمتکش را تباہ کرده است. در طول تمام این سالها، نمی توان حتی یک سال را نمونه آورد که لااقل وضعیت مادی و معیشتی مان بهتر شده باشد. روز به روز شرایط زندگی و کاری توده های کارگر و زحمتکش وخیمتر شده است. سطح زندگی مان مدام تنزل یافته تا بدانجا که امروز اکثریت بزرگ مردم ایران به زیر خط فقر سوق داده شده اند. این در حالی است که گروه اندکی انگل، متشکل از سرمایه داران، ثروتمندان و سران دزد و فاسد رژیم جمهوری اسلامی با چپاول و غارت حاصل دسترنج توده های کارگر و زحمتکش مردم، ثروت های افسانه ای اندوخته اند. این نظم ارتجاعی و ظالمانه همواره مورد نفرت کارگران بوده و این نفرت و انزجار را در بی شمار مبارزات خود در دوران استقرار جمهوری اسلامی نشان داده اند. سراسر این دوران مملو است از اعتصابات، تظاهرات تجمعات اعتراضی و دهها شکل دیگر از مبارزات کارگری. جمهوری اسلامی در این سالها همواره کوشیده است با سرکوب اعتراضات کارگران، اعدام و به بند کشیدن پیشروترین و آگاه ترین نیروهای جنبش کارگری، این موج نارضایتی و نفرت از نظم موجود را مهار کند، اما هرگز نتوانسته در عزم و اراده کارگران به ادامه مبارزه خللی ایجاد نماید. هم اکنون نیز ده ها تن از کارگران به خاطر دفاع از حقوق صنفی و سیاسی و مبارزه برای تحقق اهداف آزادی خواهانه و

سوسیالیستی خود، در زندان های رژیم به بند کشیده شده اند. اکنون زمان قطعی برای سرنگونی نظم موجود فرا رسیده است. هم اکنون مردم کارگر و زحمتکش در مبارزات عمومی، در راهپیمائی ها، تظاهرات و سنگربندی های خیابانی حضور دارند. اما این حضور برای حصول به پیروزی کافی نیست. هم اهداف آزادی خواهانه و سوسیالیستی طبقه کارگر و هم پیروزی مبارزه عمومی مردم علیه ارتجاع حاکم، نیازمند حضور مستقل و متشکل طبقه کارگر در جنبش سیاسی کنونی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و پیروزی انقلاب است. بی هیچ تردیدی باید گفت که گرچه راهپیمائی ها و تظاهرات عمومی مردم ضرباتی پی درپی به رژیم ستمگر حاکم وارد می آورد، اما این اشکال مبارزه به تنهایی نمی تواند، رژیم سر تا پا مسلح و فوق ارتجاعی را سرنگون کند. ارتقاء سطح مبارزات کنونی نیازمند برپایی یک اعتصاب عمومی سیاسی است. برپایی این اعتصاب نیز مقدم بر هر چیز، تنها در ید قدرت کارگران و توده های زحمتکش، معلمان پرستاران و کارکنان موسسات خصوصی و دولتی است.

کارگران ایران برای تحقق اهداف آزادی خواهانه و سوسیالیستی خود و برای پیروزی مبارزات کنونی، باید در بر پایی این اعتصاب پیش قدم باشند. این وظیفه بزرگی است که در لحظه کنونی در برابر طبقه کارگر ایران قرار گرفته است.

زنان مبارز!

درود و افتخار بر شما که در پیشاپیش نبردهای خیابانی، پرچم مبارزه علیه ستمگران را به اهتزاز درآوردید. مبارزه زنان مبارز و قهرمان که با شجاعت تمام در صحنه های نبرد رودرروی با نیروهای نظامی و سرکوب حضور دارند، حیرت تمام جهانیان را برانگیخته است. سمبل های مبارزات امروز مردم ایران، قهرمانانی امثال ندا هستند که قهرمانانه در برابر سرکوبگران ایستاده اند و جان خود را فدای رهایی مردم ایران کرده اند. این مبارزه سترگ زنان، نشان دهنده آگاهی و عزم استوار زنان به رهایی از شر تمام ستم هایی است که بر آنها اعمال شده است. اما پوشیده نیست که این مبارزه در یک لحظه پدید نیامده است بلکه برآمده از مقاومت، اعتراض و مبارزه ای است که از همان فردای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی علیه این رژیم ارتجاعی و زن ستیز آغاز گردید. میلیون ها زن در مبارزاتی که به قیام و سرنگونی رژیم سلطنتی انجامید، حضور یافتند تا به مطالبات طبقاتی، عمومی و مطالبات مختص خود زنان دست یابند. اما با استقرار جمهوری اسلامی و در پی آن شکست انقلاب، نه فقط این مطالبات تحقق نیافت، بلکه دولت دینی که بنا به خصلت ارتجاعی اش زن را نصف مرد و شهروندی درجه دو می داند، تلاش نمود حتی دست آوردهای سال های گذشته مبارزات زنان را نیز باز پس گیرد و ستمگری و نابرابری جنسیتی را به کمال رساند. مقاومت و مبارزه زنان، پاسخی بود که به ارتجاع حاکم داده شد. این مبارزه که در چند سال اخیر شکلی سازمان یافته تر به خود گرفت، با واکنش قهرآمیزی از سوی جمهوری اسلامی و دستگیری و محکومیت به زندان و شلاق پاسخ داده شد. اما مقاومت و مبارزه ادامه یافت و اکنون در مبارزات خیابانی در تظاهرات، در راهپیمائی ها و سنگربندی های خیابانی به نقطه باشکوه خود رسیده است. این مبارزه آشکارا نشان می دهد که زنان با قاطعیت دریافته اند که بدون برافتادن

مقاومت شما که بهترین عزیزان خود را در راه آزادی و برابری توده‌های مردم ایران از دست داده‌اید، سر تعظیم فرود می‌آوریم. ما همواره خود را در کنار شما احساس می‌کنیم. فرزندان، مادران و پدران شما، رفقا و دوستان ما، قهرمانان واقعی مردمی هستند که هیچگاه در برابر ستمگران تاریخ تسلیم نشدند و برای رهایی از چنگال بیرحم رژیم‌های مرتجع و ضد انسانی، از جان خود نیز دریغ نکردند.

عزیزان شما و ما، قهرمانانی هستند که به خاطر اهداف و آرمان‌های انسانی، آزادی‌خواهانه و سوسیالیستی در نبرد با دشمنان بشریت جان خود را فدا کردند. آن‌ها همواره در قلب توده‌های مردم ایران جای دارند و زنده‌اند و هرگز فراموش نخواهند شد.

جمهوری اسلامی در طول تمام دوران حیات ننگین‌اش، هزاران تن از مردم قهرمان ایران را به جوخه اعدام سپرد. تنها متجاوز از هزار تن از اعضا و هواداران سازمان ما را کشتار کرد. ده‌ها هزار تن را سال‌ها به بند کشید. هزاران زندانی سیاسی را یکجا به قتل رساند، تا مگر اراده توده‌های مردم ایران را درهم بشکند. اما به گواه تمام تاریخ بشریت، هرگز بیدادگری و وحشی‌گری طبقات حاکم نتوانسته و نمی‌تواند، توده مردم را از تلاش و مبارزه برای رهایی از شر ستمگران بازدارد. با وجود تمام فجایع و بیرحمی‌های رژیم جمهوری اسلامی علیه مردم ایران، مبارزاتی که هم اکنون در برابر چشمان همگان در جریان است، به وضوح همین حقیقت را نشان می‌دهد.

جمهوری اسلامی در موج نوین مبارزات مردم ایران نیز توحش و بربریت یک رژیم ستمگر مذهبی را به اوج رساند. مردم را در خیابان‌ها به گلوله بست، در اسارتگاه‌های قرون وسطایی خود در زیر شکنجه به قتل رساند و اجساد نیمه جان را به آتش کشید. هزاران تن را به بند کشید، اما این وحشی‌گری نیز رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد، بلکه لحظه سرنگونی آن را نزدیک‌تر خواهد ساخت. ما ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های جان باختگان آزادی‌خواه مبارزات اخیر مردم ایران، خود را در غم آن‌ها سهیم می‌دانیم و به استواری و مقاومت آن‌ها درود می‌فرستیم.

ما یک بار دیگر به خانواده‌های جان باختگان سازمان و تمام جان باختگان راه آزادی و سوسیالیسم درود می‌فرستیم و بر عهد و پیمان همیشگی خود برادمانه نبرد تا پیروزی و استقرار جامعه‌ای سوسیالیستی که در آن انسان‌های آزاد و برابر در رفاه و خوشبختی زندگی کنند، تاکید می‌کنیم.

رفقا، فعالین و هواداران سازمان!

افتخار بر شما که همواره حتا در دشوارترین شرایط به اهداف و آرمان‌های سوسیالیستی و آزادی‌خواهانه سازمان وفادار مانده و به مبارزه خود ادامه داده‌اید.

رفقا! همانگونه که در اسناد مصوب کنفرانس دوازدهم سازمان منعکس است، این کنفرانس بار دیگر بر مواضع سوسیالیستی و انقلابی سازمان مهر تایید زد و خط مشی انقلابی، تاکتیک‌ها و مواضع سیاسی ما را ترسیم نمود. دوران جدید و پر تلاطمی در مبارزات مردم ایران آغاز شده است. این دوران، نویدهنده فرا رسیدن یک دوران تحولات انقلابی است. جمهوری اسلامی که با انبوهی از تضادها و بحران‌ها روبروست، به پایان خط رسیده است. تمام سیاست‌های هیئت حاکم با شکست روبرو شده است. توده‌های هرچه وسیع‌تری از مردم ایران به مبارزه روی می‌آورند که به نیازهای تحول انقلابی جامعه پاسخ دهند.

انبوهی از وظایف در برابر ما قرار گرفته است. تمام سرنوشت جنبش

جمهوری اسلامی، بدون جدایی کامل دین از دولت، برابری کامل و بی قید و شرط زنان و برافتادن هر گونه تبعیض، ستم و نابرابری جنسیتی ممکن نیست. این بی تردید درست‌ترین مسیری است که زنان در آن گام نهاده‌اند و آن‌ها را در پیشاپیش نبردهای کنونی قرار داده است. این مبارزه از حمایت و پشتیبانی عموم توده‌های مردم ایران و جنبش‌های اجتماعی رادیکال برخوردار است. ما نیز به این مبارزه افتخار می‌کنیم و از هیچ تلاشی برای پیروزی آن فروگذار نخواهیم بود.

دانشجویان مبارز!

نیاز به تکرار نیست که دانشگاه‌های سراسر کشور در تاریخ اخیر ایران، همواره یکی از سنگرهای برجسته آزادی‌خواهی و مبارزه علیه رژیم‌های استبدادی ستمگر حاکم بر ایران بوده است. بدون دلیل نبود که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تلاش نمود در سال ۵۹ با سرکوب خونین و کشتار دانشجویان و بستن دانشگاه‌ها، زمینه را برای ایجاد اختناق هولناک و کشتار وحشیانه سال‌های دهه ۶۰ هموار سازد. اما جنبش دانشجویی به رغم تمام اقدامات سرکوبگرانه و ارتجاعی رژیم بار دیگر سر بلند کرد و در برابر ارتجاع حاکم قرار گرفت. این جنبش که از اواسط دهه ۸۰ و با قیام دانشجویی ۱۸ تیر به مرحله نوینی از مبارزه با استبداد حاکم وارد شد تا به امروز یک لحظه رژیم ارتجاعی حاکم را آرام نگذاشته است.

واقعیتی است بر همگان روشن که در مبارزات چند ماه اخیر مردم ایران، نقش اصلی در سازماندهی مبارزات و ندادن آن را دانشجویان و جوانان بر عهده داشته‌اند هم اکنون صدها تن از دانشجویان در زندان‌های رژیم گرفتارند. با این همه در همین لحظه نیز دانشگاه‌های سراسر کشور به رغم تمام سرکوب‌ها و وحشی‌گری‌های جمهوری اسلامی، سرشار از شور و شعور مبارزاتی دانشجویان علیه نظام بیدادگر حاکم بر ایران است.

دانشجویان مبارز!

به رغم این واقعیت که هم اکنون میلیون‌ها تن از مردم ایران به مبارزات علنی روی آورده‌اند، به رغم این که تظاهرات و راهپیمایی‌های خیابانی همچنان ادامه دارد، اما این حقیقت نیز پوشیده نیست که هنوز میلیون‌ها تن از توده‌های کارگر و زحمتکش درگیر این مبارزه علنی و مستقیم نشده‌اند. یا دقیق‌تر به جنبش سیاسی که هم اکنون در جریان است نپیوسته‌اند. این نیروست که می‌تواند توازن قوا را به طور قطعی به نفع انقلاب و سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی تغییر دهد. لذا دانشجویان مبارز دانشگاه‌های سراسر کشور که بخش آگاه‌تر توده‌ای جامعه را تشکیل می‌دهند، وظایفی سنگین‌تر از گذشته و امروز بر دوش دارند. تداوم اعتراضات و مبارزات تا پیوستن عموم توده‌های زحمتکش مردم به جنبش یکی از وظایف مهمی است که در برابر دانشجویان و جوانان قرار گرفته است. علاوه بر این، وظیفه دیگر دانشجویان در شرایط کنونی تلاش برای آگاه‌سازی و تسریع روند پیوستن توده‌های میلیونی مردم زحمتکش به این جنبش است. این تلاش در ابعاد توده‌ای می‌تواند از طریق بردن ایده اعتصاب عمومی سیاسی به میان کارگران و زحمتکشان و تلاش برای برپایی آن تحقق یابد. تلاش خود را برای انجام این وظایف مشترک دو چندان سازیم. ما در این تلاش و مبارزه، دست شما را به گرمی می‌فشاریم.

خانواده‌های جان‌باختگان راه آزادی و سوسیالیسم!

صمیمانه‌ترین درودهای ما را بپذیرید. ما در برابر استواری، بردباری و

قدرت نیروهای سرکوب را نیز محدود خواهد ساخت. در درون نیروهای سرکوب، شکاف و تزلزل ایجاد خواهد کرد و شرایط لازم را برای سرنگونی رژیم از طریق قیام مسلحانه فراهم خواهد ساخت. این تجربه‌ای است که انقلاب و قیام بهمن ۵۷ به ما آموخت. همین تجارب، کارایی کمیته‌ها و شوراهای محلات را نیز برای سازماندهی توده‌ای در محلات نشان داد.

مردم مبارز ایران!

باید از تمام تجارب گذشته خود بیاموزیم. از هم اکنون باید هوشیار باشیم و نباید اجازه دهیم که بار دیگر شیادان و فریبکارانی از نمونه خمینی، ثمره مبارزات ما مردم را نابود کنند. ما توده‌های مردم ایران باید به نیرو و قدرت خودمان متکی باشیم. ما توده‌های کارگر و زحمتکش باید خودمان سرنوشتمان را در دست بگیریم. تنها راهی هم که تضمین کننده حاکمیت ما بر سرنوشت مان خواهد بود، به دست گرفتن قدرت از طریق شوراهاست. ما نیازی نداریم که دیگران برای ما به عنوان رهبر و ارباب تصمیم بگیرند. در هر کارخانه و کارگاه در هر محل کار، در دانشگاه‌ها، موسسات، محلات، روستاها، و بالاخره در سطح سراسر جامعه، خود ما توده‌های مردم می‌توانیم از طریق شوراها حکومت کنیم و قدرت سیاسی را به دست بگیریم و از دست آورده‌های انقلاب و مبارزات مان پاسداری نماییم.

سازمان ما که اساسا برای استقرار یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند و خواهان حاکمیت توده‌های زحمتکش مردم ایران بر سرنوشت خود و تحقق تمام مطالبات و اهداف توده‌های مردم است، پیگیرانه از سرنگونی جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان دفاع می‌کند.

ما شرکت کنندگان در کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت) با تاکید بر تلاش و مبارزه خستگی ناپذیر برای پیروزی هرچه سریع‌تر توده‌های مردم ایران، بار دیگر به توده‌های کارگر و زحمتکش مردم ایران درود می‌فرستیم.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی- برقرار باد حکومت شورایی
زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم
شرکت کنندگان در کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت)
۱۵ آذر ماه ۱۳۸۸**

کنونی و مبارزات انقلابی مردم ایران، بار دیگر وابسته به این مسئله است که با رشد و اعتلاء بیشتر جنبش و وسعت گرفتن انقلاب، سرانجام، قدرت سیاسی در دست کدام طبقه قرار خواهد گرفت. بورژوازی داخلی و بین‌المللی تمام تلاش و امکانات خود را به خدمت گرفته تا مانع از رادیکال شدن جنبش و هژمونی طبقه کارگر در آن گردد. وظیفه ما است که تمام نیرو و توان خود را برای تامین هژمونی طبقه کارگر در جنبش و کسب قدرت سیاسی توسط کارگران و زحمتکشان به کار بگیریم. باید هر تلاش ممکن را در این جهت و برای متشکل ساختن هر چه بیشتر کارگران و ارتقاء آگاهی طبقاتی آن‌ها به کار گرفت. این مهم‌ترین وظیفه کل سازمان، فعالین و هواداران سازمان است.

جنبش انقلابی توده‌های مردم ایران، هر روز وسعت بیشتری به خود می‌گیرد، نیروهای جدیدی به عرصه مبارزه علنی و مستقیم روی می‌آورند. باید در این مبارزات حضوری فعال داشت و با طرح شعارهای صحیح و رادیکال، تظاهرات‌ها و راهپیمایی‌ها را تقویت و رادیکال کرد. سازمان یافته حرکت کنید، به سازماندهی توده‌ها یاری رسانید، شعارها، برنامه و تاکتیک‌های سازمان را به میان وسیع‌ترین توده‌های مردم ببرید. در عین حال مادام که هنوز رژیم در موقعیتی است که می‌تواند لطماتی به ما وارد آورد، در فعالیت هابمان، به ویژه در مبارزات علنی، ضوابط امنیتی مسائل را دقیقاً مد نظر قرار دهید. فعالیت مخفی و علنی را حساب شده و دقیق تلفیق کنیم. به خاطر داشته باشیم که نباید به دام نیروهای سرکوب بیافتیم تا در لحظات حساس‌تر جنبش بتوانیم با حضور خود، تأثیرات برجسته‌تری بر روند انقلاب و پیروزی آن داشته باشیم.

مردم مبارز ایران!

راه نجاتی جز ادامه و تشدید مبارزه نیست. جمهوری اسلامی به آخرین لحظات عمر ننگین‌اش رسیده است بحران‌های متعددی که جامعه ایران را فرا گرفته است، نشانه پوسیدگی و زوال نظم موجود است. جمهوری اسلامی که اکنون دیگر اساسا تکیه‌گاه‌اش نیروهای مسلح است، تا لحظه سرنگونی از هیچ جنابیتی فروگذار نخواهد کرد. باید برای مقابله با آن از تمام اشکال مبارزه استفاده کرد. باید به تاکتیک‌هایی روی آورد که تلفات ما را کاهش دهد و کارایی نبردهای سرکوب را از بین برد. موثرترین شیوه‌ای که می‌تواند در این مسیر به کار آید، روی آوری به اعتصابات عمومی و برجسته‌ترین آن، اعتصاب عمومی سیاسی است. این اعتصابات نه فقط از نظر اقتصادی و سیاسی کمر رژیم را خواهد شکست، بلکه

کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت) برگزار شد

**با
کمک های
مالی خود
سازمان
را یاری رسانید**

مجازات اعدام در برنامه به رای گذاشته شد که رای نیاورد.

در مراحل پایانی؛ کنفرانس دوازدهم سازمان مقرر نمود، یک پیام خطاب به توده‌های مردم ایران، کارگران، زنان، دانشجویان، هواداران، خانواده‌های جانبختگان سازمان و زندانیان سیاسی صادر شود.

کنفرانس دوازدهم سازمان فدائیان (اقلیت) با خواندن دسته جمعی سرود انترناسیونال و با عزمی راسخ برای گسترش فعالیت‌ها و مبارزه در راه سوسیالیسم و آزادی، پس از سه روز، به کار خود پایان داد.

برنامه سازمان می‌تواند موجب مخدوش شدن مواضع سازمان در مورد مبارزات مسلحانه و نیز ترور سرخ شود و به دستاویزی برای نفی آنها تبدیل گردد.

پس از دو دور بحث روی این موضوع، از آنجا که در میان رفقای موافق وارد کردن این اصل در برنامه، نظر یکسانی در مورد قطعنامه پیشنهادی وجود نداشت و برخی از این رفقا، ملاحظاتی نیز روی آن داشتند، از این رو رای گیری به این صورت در آمد که رفقا نظرشان را در مورد وارد کردن لغو مجازات اعدام در برنامه اعلام کنند. بنابراین وارد کردن لغو

قطعه‌نامه در مورد جنبش زنان

اسلامی می‌توان مطالبات زنان را متحقق ساخت. با اشاعه همین توه‌م پراکنی‌ها بود که بخشی از گردانندگان کمپین یک میلیون امضا، در جریان نمایش انتخاباتی ۲۲ خرداد ۸۸ تلاش نمودند در پوشش مطالبه محوری، زنان را به نفع یک جناح رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، به پای صندوق‌های رای بکشانند. اما در تمام این دوران به دفعات ثابت شد که در چهارچوب جمهوری اسلامی و جناح‌های آن هیچ بهبودی نمی‌تواند در وضعیت زنان صورت بگیرد. تحولات سیاسی چند ماه اخیر نیز، پوچی تمام ادعاهای زنان بورژوا - لیبرال و بورژوا- مذهبی و شکست تاکتیک‌های آن‌ها را آشکار کرد. حضور گسترده و توده‌ای زنان در تظاهرات و سنگربندی‌های خیابانی نشان می‌دهد که زنان در یافته‌اند تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی، برانداختن تمام قوانین و نهادهای آن و جدائی کامل دین از دولت، می‌توانند تبعیض، ستمگری و نابرابری را براندازند. شکست تاکتیک‌های زنان بورژوا فمینیست و روی آوری توده زنان به نبردهای مستقیم و انقلابی، آشکار کرد که تنها جنبش زنان رادیکال، کارگر و زحمتکش، می‌تواند جنبش واقعی زنان برای برانداختن ستم جنسی و فرودستی زن باشد.

۶- حضور گسترده زنان رادیکال در مبارزات ماه‌های گذشته از شرکت زنان در روز جهانی کارگر گرفته تا جنبش‌های اعتراضی کنونی، بار دیگر پتانسیل موجود در جنبش زنان ایران و ضرورت یک سازماندهی رادیکال در راستای مبارزه‌ای هدفمند و متشکل را آشکار می‌سازد.

بر بستر اوضاع جاری و فضای سیاسی و اجتماعی ایران و با توجه به بحران فراگیر و رو به گسترش خیزش‌های اخیر مردمی، اکنون بیش از هر زمان دیگری شرایط ایجاد می‌کند که زنان رادیکال، آگاه و پیشرو جنبش، با تعیین یک استراتژی روشن و صریح، مدافعان برابری کامل اجتماعی و سیاسی زنان را گرد هم آورند، کارزاری هدفمند را سازمان دهند و به سوی ایجاد تشکل‌هایی در میان زنان کارگر و زحمتکش جهت‌گیری نمایند. ضروری است که فعالان جنبش زنان با مد نظر قرار دادن تجارب پیشین جنبش و سرکوبگری‌های کنونی جمهوری اسلامی از اشکال تلفیقی فعالیت علنی و مخفی بهره‌گیرند. مقدم بر هر چیز، چنین وظیفه‌ای بر دوش فعالان سوسیالیست، چپ و لائیک جنبش زنان است که با نقش محوری خود حول مطالبات

زنان را می‌توان در تمامی جوانب زندگی اجتماعی و سیاسی زنان به وضوح مشاهده کرد.

۴- اجرای قوانین و اقدامات فوق ارتجاعی و زن‌ستیزانه جمهوری اسلامی از بدو به قدرت رسیدن رژیم، همواره با واکنش و مبارزه زنان همراه بوده است. زنان در طول سی سال حاکمیت ارتجاعی طبقاتی - مذهبی همواره به اشکال گوناگون برای به عقب راندن رژیم و خنثی ساختن اقدامات زن‌ستیزانه آن به مبارزه ادامه داده‌اند. حضور فعال زنان به ویژه بعد از نیمه اول دهه ۸۰ در مبارزات و اعتراضات آنان در سطحی علنی و در اشکالی سازمان یافته تر در راهپیمایی‌ها، تجمعات و تظاهرات و گردهمایی‌های گروه‌ای از زنان نمود محسوس‌تری به خود گرفته است. گر چه هنوز دامنه جنبش زنان محدود است اما زمینه‌های عینی برای تبدیل شدن آن به یک جنبش توده‌ای گسترده و هم‌زمان رادیکال وجود دارد.

۵- توام با موج نوین اعتراضات زنان، جمهوری اسلامی برای درهم شکستن جنبش زنان، به سرکوب و حشبانه تجمعات آنان، بازداشت ده‌ها تن از فعالان زنان و محکومیت آن‌ها به زندان و شلاق و ... متوسل گردید. اما این سرکوب‌ها نتوانست و نخواهد توانست زنان را از تلاش و مبارزه برای تحقق مطالبات برابری طلبانه‌شان باز دارد.

۶- علیرغم بالا بودن ظرفیت و پتانسیل مبارزاتی که جنبش زنان از آن برخوردار است اما به دلیل پراکندگی و نقش زنان بورژوا - فمینیسم و بورژوا- مذهبی در این جنبش، تاکنون موفق نشده است تمام توان و نیروی خود را در جهت پیشروی این جنبش برای تحقق بخشیدن به خواست‌های خود بکار گیرد.

زنان لیبرال- فمینیست و بورژوا- مذهبی، در چند سال اخیر تلاش نمودند، مطالبات زنان را به تعدیل‌های ناچیز در چهارچوب جمهوری اسلامی و قوانین مذهبی آن محدود سازند و این جنبش را به زائده جناح‌بندی‌های رژیم تبدیل کنند. آن‌ها ادعا می‌کردند که با تکیه بر یک جناح حکومت و در چهارچوب قوانین و نهادهای جمهوری

۱- تبعیض، نابرابری و ستم جنسی یکی از نتایج پیدایش مالکیت خصوصی و جامعه طبقاتی‌ست. لذا در نظام سرمایه‌داری نیز که بر پایه طبقات ستمگر و ستم‌دیده و مالکیت خصوصی بنا شده است، به رغم این که در تعدادی از کشورهای جهان، برابری حقوق زن و مرد در قوانین به رسمیت شناخته شده است، اما این برابری حقوق هرگز به یک برابری واقعی و در عمل تبدیل نشده، و تبعیض، نابرابری و ستم جنسی همچنان پا برجاست.

با این همه اوج ستمگری بر زنان و فرودستی زن، در آن گروه از کشورهای سرمایه‌داری است که حتا این برابری قانونی و صوری نیز به رسمیت شناخته نشده است. نمونه بارز آن جمهوری اسلامی ایران است.

۲- فرودستی زن در جوامع بورژوایی ابعاد سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، حقوقی و فرهنگی دارد. در کشورهای نظیر ایران که با یک رژیم ارتجاعی سرمایه‌داری - مذهبی روبرو هستیم، وضعیت زنان و فرودستی آنان از جمیع جهات وخیم و فاجعه‌بار است.

رژیم جمهوری اسلامی نه فقط برابری حقوق زن و مرد را نفی و انکار نموده، بلکه از بدو به قدرت رسیدنش تاکنون همه تلاش و توان خود را به کار بسته تا تمام دستاوردهای زنان را که نتیجه تلاش و مبارزه جنبش زنان در یک قرن اخیر بوده است، یکی پس از دیگری باز پس بگیرد و نابود کند.

۳- رژیم جمهوری اسلامی در طول سی سال حاکمیت خود همواره تبعیض و ستم جنسی را در اشکال مختلف، در مدرسه و دانشگاه، در کارخانه و اداره، خانواده و اجتماع و... به عریان‌ترین شکل ممکن به کار گرفته و سرکوب زنان به وظیفه روزمره ارتجاع حاکم تبدیل شده است. جداسازی جنسیتی در محل کار و دانشگاه و اماکن عمومی، سرکوب، تحقیر و توهین به زنان در اجتماع، محرومیت زنان از امکان اشتغال برابر و مزد مساوی با مردان، تحمیل حجاب اسلامی، قوانین قرون وسطایی سنگسار، رواج تن‌فروشی تحت عنوان صیغه، قوانین ارتجاعی طلاق و تعدد زوجات و ده‌ها نمونه دیگر از سیاست‌های ارتجاعی، تبعیضات جنسی و ستمگری بر

قطعنامه در مورد جنبش کارگری

قانون کار و اعطای رسمی حکم فسخ يك جنبه قرارداد به کارفرما و اخراج کارگر، فقر و فشارهای معیشتی، ناامنی شدید شغلی و بی‌حقوقی کارگران را به حد اعلای رسانده و فشار کار و استثمار را بیش از پیش تشدید نموده است. به موازات افزایش فشار و تشدید تعرضات طبقه حاکم در عرصه های اقتصادی و معیشتی، محدودیت ها و فشارهای سیاسی نیز علیه کارگران فوق العاده افزایش یافته است. جمهوری اسلامی علاوه بر تشدید خفقان و نظامی کردن فضای بسیاری از کارخانه‌ها و موسسات تولیدی و اعمال کنترل پلیسی- جاسوسی از طریق نیروهای امنیتی و حراستی، سرکوب مستقیم و اعمال قهر و خشونت علیه کارگران و نمایندگان آنها را نیز تشدید نموده است. سواى دستگیری های پی در پی، بازداشت ها و احضارهای مکرر و صدور احکام ضد انسانی شلاق و احکام سنگین زندان برای فعالان و نمایندگان کارگری، ده ها اعتصاب، راه پیمائی، تظاهرات و اجتماع اعتراضی کارگری را با خشونت و بیرحمی، وحشیانه سرکوب نموده، صدها کارگر را مورد ضرب و شتم قرار داده و بازداشت نموده است و ده ها کارگر پیشرو را به جرم فعالیت‌های آگاه گرانه، به زندان افکنده و یا از کار اخراج نموده است که به عنوان دو نمونه برجسته، می‌توان به بازداشت و حبس دو تن از رهبران سندیکای کارگران شرکت واحد و اخراج حدود ۳۰ تن از فعالان این سندیکا، و همچنین بازداشت و حبس پنج تن از اعضای هیأت مدیره سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه و اخراج چهار تن از آنها، اشاره نمود.

۴- به رغم تمام تعرضات سیاسی و اقتصادی هلاکت بار طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه علیه کارگران و جنبش کارگری، طبقه کارگر اما از پای ننشسته، با روحیه‌ای پی‌گیر و استوار، جسورانه تر از گذشته، در برابر تعرضات سرمایه، دست به اعتراض و مقاومت زده است. در طی این دوره دو ساله، کارگران در صدها مورد در اشکال مختلف و متنوعی، بویژه در شکل اعتصاب، اجتماع اعتراضی، راه پیمائی، تظاهرات خیابانی، ایجاد راه‌بندان و گاه در شکل گروگان‌گیری مدیر عامل و اشغال کارخانه دست به اعتراض زده‌اند، که از جمله می‌توان به نمونه‌های زیر اشاره کرد: اعتصابات و اجتماعات اعتراضی کارگران لاستیک سازی البرز، کشتی سازی ایران صدرا، شرکت نیشکر هفت تپه، کوره پزخانه‌ها، آلومینیوم سازی، واگون سازی پارس، اعتصاب و راه پیمائی کارگران چینی البرز، اعتصاب کارگران طرح توسعه پالایشگاه قدیم بندرعباس، اعتصابات شرکت مخابرات راه دور و اجتماعات اعتراضی مکرر کارخانه لوله‌سازی اهواز، از جمله اجتماعات و تظاهرات خیابانی این کارگران طی چند روز متوالی در مهر و آبان سال جاری، که در عین حال مورد حمایت سایر اقشار مردم و دانشجویان نیز قرار گرفت. شمار اعتصابات و سایر حرکت‌های اعتراضی کارگران و همچنین شمار کارگران

شرکت کننده در این اعتصابات و اعتراضات، به نحو چشمگیری افزایش یافته است. علاوه بر مطالبات صنفی و اقتصادی، که مبارزه کارگران برای تحقق این مطالبات، در اکثر موارد، از مبارزه با کارفرمای يك کارخانه فراتر رفت و کارگران را عملاً رو در روی دولت و رژیم سیاسی حاکم قرار داد و شکل سیاسی به خود گرفت، طبقه کارگر به طرح يك رشته مطالبات مستقیم سیاسی پرداخت که در راس آن حق ایجاد تشکل مستقل کارگری بود. در طی دو سال گذشته، کارگران، بسیار پرشورتر، جدی‌تر، جسورانه‌تر و در ابعاد وسیع‌تری نسبت به گذشته، نه فقط این خواست سیاسی را به عنوان محوری‌ترین خواست خود در برابر دولت قرار دادند، بلکه دست به کار عملی ساختن آن شدند و تمام مرزهای قانونا ممنوعه و "خط قرمزهای" رژیم در این زمینه را نیز بر هم زدند. حق ایجاد تشکل مستقل کارگری، نه فقط به مطالبه عمومی کارگران، لاقلاً در سطح واحدهای بزرگ و متوسط تبدیل گردید، بلکه کارگران، در بسیاری از مراکز صنعتی و کارخانه‌ها، برای متشکل شدن و ایجاد تشکل، گام‌های عملی نیز برداشتند. علاوه بر تشکیل جمع‌های کارگری، کمیته‌های کارخانه یا کمیته‌های کارگری که از روی حجم بالای اعتصابات و اعتراضات کارگری، می‌توان متشکل شدن کارگران پیشرو در این گونه تشکل‌ها را نتیجه گرفت، به عنوان برجسته‌ترین نمونه تشکل توده‌ای کارگری، باید از ایجاد سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه نام برد. اینها همه، نشانه ارتقاء درجه آگاهی کارگران، رشد تشکل‌یابی در صفوف کارگران و پیشرفت جنبش طبقه‌ای کارگران است.

۵- سازماندهی اتحاد عمل کارگری و مراسم واحد اول ماه مه توسط تشکل‌ها و گروه‌های کارگری، و صدور "قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه" نه فقط از لحاظ تشکیلاتی و تشکل‌یابی، در راستای اتحاد کارگری و غلبه بر پراکندگی، گام مهمی محسوب می‌شود و از عمق شناخت و آگاهی کارگران در این زمینه حکایت می‌کند، بلکه، از لحاظ سیاسی نیز گام بسیار مهمی به پیش بوده است. در قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه، که با مضمونی عمیقاً رادیکال و ضد سرمایه‌داری و سرشار از روحیه انترناسیونالیستی تنظیم یافته، علناً به نظم موجود اعلان جنگ داده شده است. قطعنامه اول ماه مه کارگران، در حکم بیانیه سیاسی طبقه کارگر علیه نظم سرمایه‌داری در مقیاس داخلی و بین‌المللی بود. سازماندهی اتحاد عمل میان ده سندیکا و گروه کارگری انتشار قطعنامه‌ای با مضمون رادیکال و سوسیالیستی که به امضاء این تشکل‌ها رسیده بود، کار بزرگ و کم سابقه‌ای بود که آن را باید ثمره همت و تلاش جمعی و آگاهانه کارگران پیشرو و فعالان کارگری متشکل در سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری، هیأت بازگشائی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، اتحادیه آزاد کارگران ایران، کمیته پی‌گیری برای ایجاد تشکل‌های آزاد کارگری، جمعی از فعالین کارگری، شورای زنان و کانون مدافعان حقوق کارگر، دانست.

اتحاد عمل گرایش‌های مختلف درون جنبش

کارگری و فراخوان مشترک برگزاری مراسم علنی اول ماه مه با مضمون و محتوای رادیکال و ضد سرمایه‌داری، و همچنین برگزاری مراسم اول ماه مه توسط سندیکای کارگران فلزکار- مکانیک، و مراسم‌های دیگری که در کردستان و کرمانشاه برگزار گردید، تماماً بیان‌گر رشد اتحاد و آگاهی در صفوف کارگران، ارتقاء درجه تشکل‌یابی کارگران و رشد و تکامل جنبش کارگری است.

۶- به رغم پیشرفت‌های غیرقابل انکار جنبش کارگری و به رغم ارتقاء آگاهی طبقه‌ای و رشد تشکل‌یابی در صفوف کارگران، اما طبقه کارگر، از موقعیتی که بتواند به عنوان يك طبقه آگاه و متشکل وارد رویدادهای سیاسی شود و رهبری جنبش انقلابی را به دست گیرد، بسیار فاصله دارد. شرایط بس متحول کنونی و رویدادهای پرشتاب سیاسی نیز، بر این فاصله افزوده است. دوران جدیدی در زندگی سیاسی و مبارزاتی توده‌های مردم آغاز شده است. توده‌های مردم به زندگی پرتکاپوی سیاسی، به مبارزه علنی مستقیم و تعرضی علیه قدرت حاکم روی آورده‌اند. دوران توفان‌های سیاسی، تغییر و تحولات سریع و چرخش‌های بزرگ آغاز شده است. خیزش‌های توده‌ای و اعتراضات خیابانی، همچنان ادامه دارد. رویدادها و تحولات سیاسی چند ماه اخیر، نشان دهنده عمیق‌تر شدن بحران سیاسی و بحران حکومتی است. اختلاف و کشمکش در میان هیأت حاکمه، به غایت، تشدید شده و حکومت اسلامی از هر سو شکاف برداشته است. هیچ چشم‌اندازی از فروکش بحران دیده نمی‌شود. بحران انقلابی، اعتلاء بیشتر جنبش توده‌ای و انفجارات اجتماعی بزرگتری را نوید می‌دهد.

این وضعیت، وظائف فوری و مبرمی را بر دوش کارگران پیشرو و کمونیست، فعالان جنبش کارگری و همه نیروهای کمونیست قرار داده است. پیروزی طبقه کارگر، بدون آن که کارگران خود را در حزب طبقه‌ای و مستقل خویش متشکل ساخته باشند، ممکن نیست. طبقه کارگر باید تشکل‌های طبقه‌ای خود را بنا سازد و برای رهبری انقلاب و انفجارات بزرگ اجتماعی خود را تجهیز و آماده کند.

۷- در شرایطی که يك بحران انقلابی وجود دارد، در شرایطی که جنبش با يك اعتلاء جدید روبرو شده و چشم‌انداز اعتلاء بیشتر نیز وجود دارد، طبقه کارگر نمی‌تواند و نباید صرفاً به آن شکلی از سازماندهی مبارزاتی و رزده که در شرایط عادی لازم است. تاکتیک‌های مبارزاتی و تشکل‌های کارگری در لحظه کنونی، باید برگرفته از نیازهای شرایط موجود و با آن منطبق باشند. این تاکتیک و شکل مبارزه، همچنین باید بتواند توده‌های کارگر را متشکل سازد، متضمن به صحنه آوردن کارگران و در خدمت پیشرفت جنبش انقلابی و انقلاب باشد.

کارگران پیشرو، فعالان و تشکل‌های کارگری و عموم کارگران، نه فقط نمی‌توانند و نباید نسبت به رویدادهای سیاسی جامعه بی‌تفاوت بمانند، بلکه باید تلاش کنند وضعیت موجود را به عرصه‌ای برای مبارزه در جهت تحقق اهداف و مطالبات خود تبدیل کنند و یا دست کم از این وضعیت به سود تشکل‌یابی و طرح مطالبات اخص خود استفاده نمایند. انبوهی از بیکاران، کارگران بیکار و بعضاً کارگران شاغل، ولو

قطعنامه در مورد جنبش کارگری

بطور انفرادی و غیر متشکل، در اجتماعات اعتراضی و تظاهرات توده‌ای حضور یافته‌اند. کارگران، به ویژه کارگران کارخانه‌های تعطیل شده و یا در معرض تعطیل، کارگران بیکار و جویای کار، می‌توانند با طرح شعارهای مستقل و با صف مستقل و بی آن که در جنبش عمومی حل شوند، با پرچم مستقل خود، در تظاهرات توده‌ای شرکت جویند، این جنبش را، سمت و سو دهند، رهبری بورژوائی را افشاء کنند و زمینه‌های رهبری کارگری بر جنبش توده‌ای را فراهم سازند.

۸- حضور مستقل کارگران در تظاهرات توده‌ای، یکی از تاکتیک‌ها و اشکال مبارزاتی موثر طبقه کارگر است. در شرایط فعلی که جنبه سیاسی مبارزه برجسته است، باید تشکلهایی را سازمان داد که از یک سو از ظرفیت ورود به عرصه مبارزه سیاسی برخوردار باشند، و از سوی دیگر، پاسخگویی مبارزات جاری و مطالبات فوری کارگران هم باشند. مناسب‌ترین تشکل‌ها، کمیته‌های مخفی اعتصاب‌اند که از این خصوصیت و کارائی برخوردارند. کارگران و پیشروان کارگری، با متشکل شدن در کمیته‌های اعتصاب و طرح مهم‌ترین مطالبات خود، از جمله افزایش دستمزد به بالای خط فقر، ضمانت شغلی، لغو قراردادهای موقت، حق ایجاد تشکل‌های کارگری، آزادی بیان و آزادی زندانیان سیاسی، می‌توانند اعتصابات کارگری را سازمان دهند. کمیته‌های اعتصاب، در روند رو به رشد و گسترش اعتصابات و سراسری شدن آن، به تشکل‌های وسیع و سراسری طبقه کارگر تبدیل می‌شوند و توان رهبری مبارزات سراسری را بدست می‌آورند. هر چند که تاکید بر اعتصاب، به معنی عدم استفاده از سایر اشکال مبارزه کارگری و یا اشکال تلفیقی نیست، اما مهم‌ترین و موثرترین تاکتیک مبارزاتی طبقه کارگر در لحظه کنونی، اعتصاب و سازماندهی اعتصاب سیاسی سراسری است. کمیته‌های اعتصاب نه فقط اکنون می‌توانند با سازماندهی اعتصابات کارگری، حضور نسبی و فعال طبقه کارگر در مبارزات جاری و رویدادهای سیاسی را تامین کنند و جنبش انقلابی را گام مهمی به پیش برند، بلکه این کمیته‌ها و پیوند میان آن‌ها، در ادامه اعتصابات و سراسری شدن آن، قادرند توده‌های طبقه کارگر را در وسیع‌ترین شکلی متشکل سازند و زمینه ورود متشکل‌تر طبقه کارگر به صف مقدم جنبش انقلابی و نبردهای بزرگ سیاسی را فراهم سازند. با پیشرفت و تعمیق مبارزه طبقاتی، این کمیته‌ها، به نهادهای سیاسی طبقه کارگر یعنی شوراهای کارگری تبدیل می‌شوند و راه را به سوی انقلاب کارگری، استقرار قدرت متشکل کارگری و شوراهای کارگری می‌گشایند.

قطعنامه در مورد جنبش زنان

در مورد ارت، جداسازی زن و مرد در مؤسسات و مراکز عمومی و کلیه مقررات و اقدامات سرکوبگرانه و وحشیانه نظیر شلاق، سنگسار و غیره باید به فوریت لغو شوند.

۳- لغو حجاب اجباری، ممنوعیت هر گونه فشار و اجبار در مورد نوع پوشش زن؛ زنان باید از حق آزادی پوشش برخوردار باشند.

۴- هرگونه فشار، تحقیر، اجبار و آزار و اذیت و خشونت علیه زنان در محیط خانوادگی، محیط کار و جامعه ممنوع و مجازات شدیدی در مورد نقض آن‌ها اعمال گردد.

۵- آزادی کامل زن در انتخاب شریک زندگی خود؛ روابط خصوصی زن باید از هر گونه تعرض مصون باشد.

۶- حق سقط جنین، باید بدون قید و شرط به رسمیت شناخته شود.

۷- حقوق زنانی که بدون ازدواج دارای فرزند می‌شوند باید به رسمیت شناخته شود و این زنان باید به همراه فرزندان از کلیه حقوق فردی، اجتماعی در جامعه برخوردار باشند.

۸- زنان باید آزادانه و بر پایه برابری کامل با مردان در تمام عرصه‌های زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مشارکت داشته باشند و به تمام مشاغل و مناصب در همه سطوح دسترسی داشته باشند.

۹- برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل و برابر با مردان در ازای کار مساوی

۱۰- ممنوعیت کار زنان باردار در رشته‌هایی که برای سلامتی آن‌ها زیان‌آور است

۱۱- ممنوعیت اخراج زنان باردار از محیط کار

۱۲- مرخصی زنان باردار یک ماه قبل و ۶ ماه بعد از زایمان بدون کسر حقوق، با برخورداری کامل از امکانات پزشکی، درمانی و دارویی رایگان

حقوقی و اقتصادی، توده‌های زنان را متشکل سازند. علیه نابرابری‌ها و آپارتاید جنسیتی و ستم مضاعفی که زندگی زنان کارگر را به تباهی کشانده، به تشدید مبارزه علیه نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی که مانع از تغییرات بنیادین در زندگی آنهاست، همت گمارند.

خواست جدایی دین از دولت و مذهب از مدارس، لغو هر گونه تبعیض بر پایه جنسیت، برابری کامل حقوق اجتماعی و سیاسی زنان و برخورداری زنان از حقوق و مزایای کامل و یکسان با مردان در ازای کار مساوی، مطالبات حداقلی هستند که عملی شدن آن‌ها لازمه پایان دادن به شرایطی است که سیستم مذهبی - سرمایه‌داری جمهوری اسلامی بر زنان جامعه تحمیل کرده است.

جنبش زنان برای تداوم مبارزات خود و برای پایان دادن به همه این نابرابری‌ها، در این راه تنها نیست و جنبش طبقه کارگر ایران و جنبش دانشجویی و سایر جنبش‌های اجتماعی رادیکال متحدان واقعی این جنبش هستند.

سازمان فدائیان (اقلیت) که همواره از مدافعین پیگیر برابری حقوقی و اجتماعی زن و مرد بوده و دشمن آشتی‌ناپذیر تبعیض نابرابری و ستم بر زنان است، از مبارزات برابری طلبانه زنان قاطعانه حمایت و پیششینیانی می‌کند، اما در همان حال گرایش‌ها و تشکل‌هایی را که می‌کوشند جنبش مبارزاتی زنان را از مسیر رادیکال و انقلابی منحرف ساخته و در چارچوب‌های نظم موجود، خواهان تغییراتی محدود به شیوه‌های بوروکراتیک و از بالا هستند و سعی در تثبیت و تحکیم قوانین این رژیم ارتجاعی - مذهبی و زن ستیز جمهوری اسلامی دارند را محکوم و افشاء می‌کند.

سازمان فدائیان اقلیت که خواهان سرنگونی فوری جمهوری اسلامی و استقرار حکومت شورائی است، خواهان تحقق مطالبات فوری زنان به شرح زیر است:

۱- هر گونه ستم و تبعیض بر پایه جنسیت باید ملغاً گردد و زنان بدون هیچ قید و شرطی از حقوق اجتماعی و سیاسی برابر با مردان برخوردار باشند.

۲- تمام قوانین و مقررات ارتجاعی مربوط به تعدد زوجات، صیغه، حق طلاق یک جانبه مرد، تکفل و سرپرستی فرزندان (حق حضانت)، قوانین و مقررات تبعیض‌آمیز



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به یکی از آدرس‌های زیر ارسال نمایید.

K . A . R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany آلمان

I . S . F
P . B . 398
1500 Copenhagen V
Denmark دانمارک

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland سوئیس

Postbus 23135
1100 DP
Amsterdam Z.O
Holland هلند

K.Z
P.O.BOX 2488
Vancouver B.C
V6B 3W7 Canada کانادا

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.

I . W . A
6932641 Postbank
HOLLAND

شماره فکس سازمان فدائیان (اقلیت)

۰۰۴۴۸۴۵۲۸۰۲۱۹۹

نشانی ما بر روی اینترنت:

<http://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

شماره های پیامگیر سازمان فدائیان (اقلیت):

۰۰۳۱ ۶۴۹۹۵۳۴۲۳

در اروپا

۰۰۹۸ ۲۱ ۸۴۶۹۳۹۲۲

در ایران- تهران

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)
No 563 December 2009

قطعه‌نامه در مورد جنبش کارگری

حضور فعال طبقه کارگر، در غیاب قاطعیت پرولتری و در غیاب حضور متشکل و مستقل طبقه کارگر، این یا آن جناح بورژوازی، به یاری همدستان و نوکران خود، جنبش انقلابی و رادیکال توده‌های مردم را در چهارچوب منافع خویش به بند می‌کشند و در نهایت سر انقلاب را نیز زیر آب می‌کنند.

۳- طبقه کارگر یگانه طبقه‌ای است که قادر است تحولات جاری را از دایره نظم موجود فراتر برد و انقلاب را به فرجام پیروزمند خود برساند. اما طبقه سرمایه‌دار و رژیم سیاسی پاسدار این طبقه، تمام توش و توان خود را برای تحمیل بی‌سازمانی و پراکندگی بر صفوف کارگران و برای ممانعت از تشکیل یابی طبقه کارگر بکار بسته‌اند.

تعرضات بیرحمانه و هلاکت‌بار طبقه سرمایه‌دار و دولت این طبقه علیه کارگران، تداوم سیاست واگذاری کارخانه‌ها و صنایع دولتی به بخش خصوصی، تعطیل و توقف مراکز تولید، اخراج‌ها و بیکارسازی‌های وسیع و گسترده، دستمزدهای زیر یک چهارم خط فقر، همه گیر شدن قراردادهای موقت زیر یک ماه، افسانه شدن استخدام رسمی، افزوده شدن بند "ز" بر ماده ۲۱

در صفحه ۱۰

۱- بحران عمیق سیاسی، سر تا پای رژیم جمهوری اسلامی را فرا گرفته است. کشمکش و اختلاف میان جناح‌های حکومتی پیوسته تشدید شده و شکاف در راس هرم قدرت، روز به روز عمیق‌تر شده است. شورش‌ها، اعتراضات و تظاهرات توده‌ای، تعادل دستگاه حکومتی را به کلی بر هم زده است. بحران انقلابی که از درون تضادهای عمیق و لاینحل اجتماعی و اقتصادی، سر بر آورده است، جامعه را در آستانه یک تحول بزرگ اجتماعی قرار داده است. کوشش جناح‌های بورژوازی برای برون رفت از بحران و بن بست، به جایی نرسیده است. برای حل بحران و تضادهای موجود، در برابر جامعه و توده‌های مردم ایران، هیچ راه دیگری، جز یک انقلاب و دگرگونی بنیان‌های نظم موجود، وجود ندارد.

۲- جنبش توده‌ای که با فوران آتش فشان خشم مردم در ۲۳ خرداد آغاز شد، به رغم افت و خیزهایش، ادامه دارد. بورژوازی و همدستان آن تلاش نموده و بیش از این تلاش خواهند نمود، تظاهرات خیابانی و اعتراضات مردم بپا خاسته را، از مسیر تکاملی و رو به رشد خود باز دارند و جنبش عظیم توده‌ای را، مهار و کنترل نمایند و یا آن را به کجراه و انحراف بکشانند. در غیاب



برنامه های رادیو دمکراسی شورایی در روزهای یکشنبه، سه شنبه، پنجشنبه و جمعه هر هفته پخش می شود.

پخش این برنامه‌ها هر روز از ساعت ۸ / ۳۰ شب به وقت ایران خواهد بود. تکرار آن در ساعت ۲۳ همان شب و نیز ۷ صبح و ۱۲ ظهر روز بعد می باشد. در روزهای شنبه، دوشنبه و چهارشنبه برنامه‌های روزهای قبل پخش خواهد شد. هم زمان می توانید از طریق:

سایت رادیو دمکراسی شورایی www.radioshora.org

برنامه های رادیو را دریافت کنید

برای دریافت برنامه‌های رادیو دمکراسی شورایی از مشخصات زیر استفاده کنید:

نام:	Radioshora
ماهواره:	Hotbird 6
زاویه آنتن:	۱۳ درجه شرقی
فرکانس پخش:	۱۱۲۰۰ مگا هرتز
پولاریزاسیون:	عمودی
FEC	۵ / ۶
Symbol rate	۲۷۵۰۰

مشخصات پخش ماهواره‌ای برنامه‌های رادیو دمکراسی شورایی را به خاطر بسپارید و به دیگران نیز بگویید.

شماره پیامگیر صدای

دمکراسی شورایی:

۰۰۳۳۹۵۴۹۱۶۷۸۹

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی